وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی

ISSN: 1606-9080
www.roshdmag.ir

علم بهتر است یا مهارت؟!
قهرمانِ دور از حاشیه

ماهنامهٔ آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی | برای دانش‌آموزان دورهٔ متوسطه دوم
دورهٔ سی‌وششم | مهرماه ۱۳۹۹ | شماره پی‌درپی ۳۰۰ | ۴۸ صفحه | ۳۵۰۰۰ ریال

رشد جوان ۱

آموزش با طعم کرونا

حماسه معراجیان

در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، نزدیك به ساعت دو بعدازظهر، یك‌باره چند هواپیما به فرودگاه مهرآباد تهران و فرودگاه‌های شهرهای اهواز،همدان، بوشهر، آبادان و ... حمله کردند. این حملات آغاز رسمی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران بود. اما جالب است بدانید که تا پیش از رسمی شدن جنگ تحمیلی، عراق حدود ۶۰۰ حمله به مناطق مرزی ایران انجام داده بود. در ادامه ببینید در هفتهٔ اول جنگ در سال ۱۳۵۹، که در ایران آن را به نام «هفتهٔ دفاع مقدس» می‌شناسیم، چه اتفاقی افتاده است:

۱۳۵۹ مهر

اشغال سرپل‌ذهاب (از شهرهای استان کرمانشاه) به دست عراقی‌ها، که به ویرانی نسبی شهر انجامید.

۱۳۵۹ مهر

اشغال شهرهای مرزی مهران (در ایلام)، سومار و نفت‌شهر (در کرمانشاه)، و همین‌طور حمله هوایی به جزیره خارك.

۱۳۵۹ مهر

اعلام حمایت عربستان و کویت از عراق در حمله به ایران و همین‌طور آغاز محاصره خرمشهر توسط عراقی‌ها که بعداً به اشغال شهر انجامید. حدود دو سال طول کشید تا خرمشهر آزاد شود.

۱۳۵۹ مهر

اولین قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد در دوران جنگ تحمیلی (قطعنامه ۴۷۹) صادر شد. در این قطعنامه از دو کشور دعوت شده بود تا مسائلشان را از راه‌های مسالمت‌آمیز حل کنند.

۱۳۵۹ مهر

مناطق مسکونی شهر اهواز مورد حملهٔ هوایی عراقی‌ها قرار گرفتند.

اعداد و ارقامی از دفاع مقدس

۲۸۸۸ روز	تعداد روزهای دفاع مقدس.
۷۵ روز	طولانی‌ترین عملیات دفاع مقدس (والفجر۸).
۵۰۰۰۰۰۰ نفر	تعداد ایرانیانی که به‌طور مستقیم در دفاع مقدس شرکت داشتند.
۱۹۰۰۰۰ نفر	تعداد شهدای دفاع مقدس. از این تعداد، ۱۶ هزار نفر در اثر بمباران شهرها و مناطق مسکونی به شهادت رسیدند و بقیه در جبهه‌های دفاع مقدس.

در روزهای ابتدایی، عراق برای تصرف خوزستان، از محورهای شلمچه، طلائیه، تنگه چذابه و دزفول وارد خاك ایران شد. بعد از اینکه شهرهای سوسنگرد و خرمشهر اشغال شدند، عراقی‌ها به سرعت برای نام این شهرها و تعدادی شهر دیگر که می‌خواستند تصرف کنند، نام‌های عربی انتخاب کردند. آبادان به عبادان، سوسنگرد به خفاجیه، خرمشهر به محمره، اهواز به الاحواز و خوزستان به عربستان؛ یعنی این شهرها دیگر جزئی از خاك عراق هستند که کشوری عربی است. گرچه زمان ثابت کرد که این اقدام فقط رویابافی بوده است.

بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم صلی علی محمد و آل محمد

تقویم ماه مهر ۱۳۹۹

حسن ستوده نیا

۷ مهر

روز آتش‌نشانی و ایمنی

هفتم مهر ۱۳۵۹ عراق به پالایشگاه نفت آبادان حمله کرد. آتش‌نشانان منطقه و سایر شهرهای حوالی به سرعت خود را به پالایشگاه رساندند تا آتش را خاموش کنند. هواپیماهای بعثی دوباره به منطقه حمله کردند و بمباران پالایشگاه را از سر گرفتند. این حمله‌ها سبب شد که بسیاری از آتش‌نشانان در حال خاموش کردن آتش به شهادت برسند. هر سال در این روز ازخودگذشتگی‌ها و حماسه‌های آتش‌نشانان در سراسر کشور مورد تقدیر قرار می‌گیرد و آموزش همگانی برای جلوگیری از آتش‌سوزی و حوادث بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد.

۹ مهر

روز جهانی ناشنوایان

هلن کلر، نویسندهٔ ناشنوا و نابینای آمریکایی، نوشته است:« اگر این فرصت به من داده می‌شد که یکی از دو حس خود را بازیابم، ترجیح می‌دادم نابینا بمانم، ولی بشنوم.»

۱۷ مهر

اربعین حسینی

اربعین روزی بود که بازماندگان خانوادهٔ امام حسین(ع) پس از آنکه از کربلا به شام برده شدند، سرانجام به کربلا بازگشتند. پس از آن بود که جابر ابن عبدالله انصاری، از صحابهٔ پیامبر(ص)، بیستم صفر وارد کربلا شد و مدفن امام و یارانش را زیارت کرد تا برای اولین بار سنت زیارت مقبرهٔ امام سوم مرسوم شود. از آن پس، هر سال به شکوه این مراسم افزوده شد و امروزه میلیون‌ها نفر هر ساله راهی کربلا می‌شوند و حرم مطهر امام حسین(ع) را زیارت می‌کنند.

۱۸ مهر

روز جهانی پست

تا قبل از گسترش فضای مجازی و دنیای اینترنت، پست نقش بسیار مهمی در انتقال اخبار و ارتباط مردم با یکدیگر ایفا می‌کرد. همین اهمیت نقش پست بود که سبب شد در سال ۱۸۷۴م و به دنبال معاهدهٔ برن، در سوئیس «اتحادیهٔ جهانی پست» به وجود بیاید.

۲۴ مهر

رحلت پیامبر(ص) و شهادت امام حسن (ع)

روز ۲۸ صفر، روز رحلت پیامبر اکرم(ص) و شهادت نوهٔ ایشان، امام حسن مجتبی(ع) است. پیامبر(ص) دربارهٔ امام حسن(ع) فرموده بود:« اگر عقل خود را به صورت مردی نشان دهد، آن مرد حسن(ع) است ... حسن حاکمی است که خداوند توسط او، روزی دو گروه مخالف مسلمان را در کنار هم می‌آورد.» روزی که امام حسن(ع) با معاویه صلح کرد، درستی این حدیث پیامبر اکرم(ص) مشخص شد.

-تشیع درمسیر تاریخ، حسین جعفری، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳، ۶۴۱

۲۵ مهر

روز جهانی عصای سپید

تا یک قرن قبل، هیچ وسیله‌ای برای متمایز کردن نابینایان از افراد بینا وجود نداشت. تا اینکه در سال ۱۹۲۱، عکاسی به نام جِیمز بیگز که اهل «بریستول» انگلیس بود، پس از آنکه بینایی خود را از دست داد، از عصایی استفاده کرد تا از برخورد با دیگران جلوگیری کند و سایرین نیز متوجه نابینایی او شوند. این ابتکار با استقبال روبه رو شد و چندی بعد، قانون عصای سپید به تصویب رسید و روز ۱۵ اکتبر به عنوان روز جهانی نابینایان معرفی شد.

۲۶ مهر

شهادت امام رضا (ع)

روز ۲۹ صفر سال ۲۰۳ قمری، امام هشتم شیعیان به دست مأمون ملعون در اثر مسمومیت به شهادت رسیدند. در زمان شهادت امام‌رضا(ع)، مأمون، خلیفهٔ عباسی بود و پس از شهادت، امام در «سناباد» و محلی به نام «بقعهٔ هارونی» به خاک سپرده شدند.

رشد جوان ۱

ماهنامهٔ آموزشی،تحلیلی و اطلاع رسانی
دورهٔ‌سی‌وششم/مهر ماه ۱۳۹۹
شمارهٔ پی در پی ۳۰۰

راه‌های مهارِ تاپ تاپِ قلب ۴
ناامیدی ممنوع ۶
بزن روشن شی! ۸
قهرمانِ دور از حاشیه ۱۰
جنگ آفتاب ۱۲
رگال ایرانی ۱۴
علم بهتر است یا مهارت؟! ۱۶
اگر رومینا بودم ۱۸
مسیر تاریک الماس ۱۹
قوانین وسواسی‌ها ۲۰
به صحرا شدم، عشق باریده بود ۲۲
ادیب جوان ۲۳
عملیات پاکسازی ۲۴
شلخته‌گویی ممنوع! ۲۸
نم باران ۲۹
آهنگ واژه‌ها ۳۰
قلمستون ۳۲
دانشمند جوان ۳۳
خشم آب ۳۴
آموزش با طعم کرونا ۳۶
فناوری کرونایی ۳۷
بر مدار مغز ۳۸
سپیده‌دم مغناطیسی ۴۰
مغزپیچ ۴۲
لبخند جوان ۴۳
زنده‌یاد ۴۴
لاغری در سه سوت ۴۵
روزنامه‌دیواری ۴۶
گله‌نامه ۴۸

قهرمانِ دور از حاشیه

نسیمه غلامی را سال‌هاست که به‌عنوان کاپیتان تیم ملی فوتسال زنان کشورمان می‌شناسیم. او توانسته است با تیم ملی فوتسال دو بار قهرمان آسیا شود و برای کشورمان افتخارآفرینی و خاطره‌سازی کند. در این شماره از مجلهٔ رشد پای صحبت‌های او نشستیم تا به جهان ورزشی و شخصی‌اش سفری کنیم.

ناامیدی ممنوع

در این بخش به بررسی شگفتی‌های دنیای ورزش و ایجاد انگیزه در ورزشکاران بعد از فاجعه‌های بزرگ طبیعی مثل سیل،زلزله و جنگ می‌پردازیم.

بزن روشن شی!

گاهی کارهای ساده‌ای وجود دارند که می‌توان انجام داد، اما برخی از کارها به متخصص نیاز دارند. آقای داداشی در این بخش شما را با مهارت‌های سادهٔ کاربردی در منزل آشنا می‌کند.

علم بهتر است یا مهارت؟

جناب آقای دکتر ملکی، رئیس سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی دانسته‌های خود را در مورد مهارت‌های زندگی در اختیار مخاطبان جوان ما قرار می‌دهند.

اگر رومینا بودم...

داستان رومینا را همهٔ ما شنیده‌ایم. ماجرایی تلخ که در آن دانش‌آموز نوجوانی به‌دست پدرش بی‌رحمانه کشته‌شد. در این قسمت به سوالاتی که ممکن است در خصوص ماجرای رومینا برای شما پیش بیاید، پاسخ می‌دهیم.

۱۴ رگال ایرانی

فکر می‌کنید اولین اختراع یا ابتکار انسان چه بوده است؟ آتش، چرخ، کوره یا ساختن ابزار سنگی؟ اگر می‌خواهید نکته‌های جالبی درباره لباس و جغرافیای آن بدانید این مطلب را بخوانید!

وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی

مدیرمسئول: **محمدابراهیم محمدی**
سردبیر: **دکتر زهرا باقری**
مدیر داخلی: **اشرف‌سادات کلاکی**
مدیرهنری: **کوروش پارسانژاد**
طراح گرافیک: **مجید کاظمی**
دبیر عکس: **پرویز قراگوزلی**
ویراستار: **بهروز راستانی**

نشانی دفتر مجله: **تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶**
صندوق پستی: **۱۵۸۷۵/۶۵۸۴**
تلفن: **۸۸۸۴۹۰۹۶**
نمابر: **۸۸۳۰۱۴۷۸**
پیامک: **۳۰۰۰۸۹۹۵۱۹**
آدرس رایانامه (پست‌الکترونیک):
javan@roshdmag.ir
نشانی مرکزبررسی آثار:
تهران-صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۶۵۶۷
تلفن: **۸۸۳۰۵۷۷۲**
www.roshdmag.ir
صندوق پستی امور مشترکان:
۱۵۸۷۵ /۳۳۳۱
تلفن امور مشترکان: ۰۲۱-۸۸۸۶۷۳۰۸

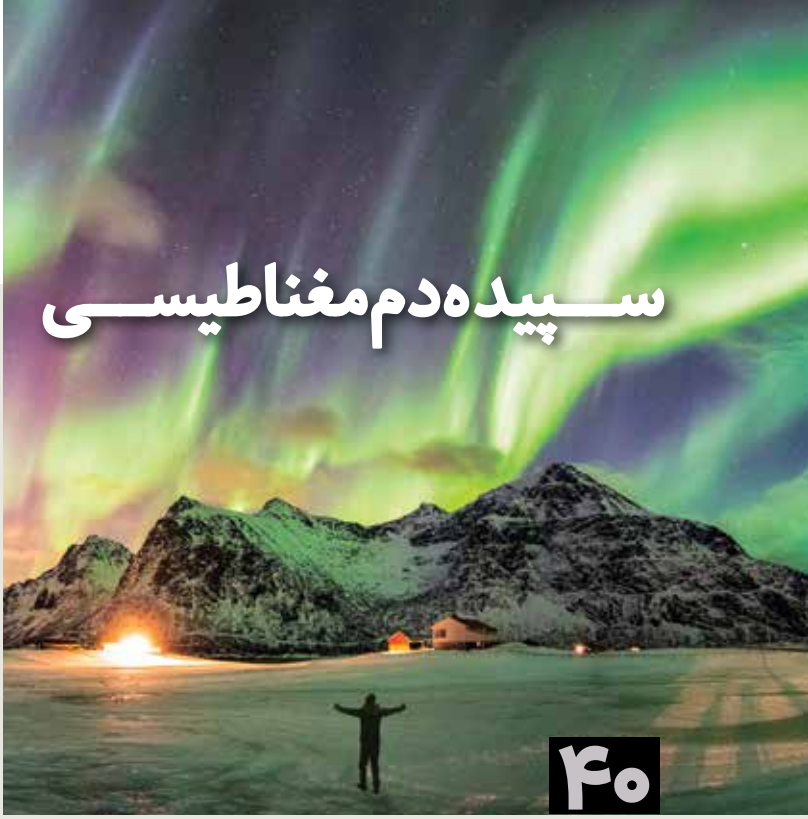

سپیده‌دم مغناطیسی

۴۰

آیا می‌دانید شفق قطبی چیست؟ اصلا اسم شفق قطبی را شنیده‌اید؟ شفق قطبی یکی از پدیده‌های بسیار زیبای طبیعی است که خانم دکتر زهرا باقری در مطلب سپیده‌دم مغناطیسی شما را با آن آشنا می‌کند. توصیه می‌کنیم فیلم‌های این صفحه را هم مشاهده کنید.

۲۰

قوانین وسواسی‌ها

نرگس رفاهی، جوان خوش‌قریحه،در صفحه سینمای رشد به معرفی فیلم خود با عنوان «قوانین وسواسی‌ها» می‌پردازد.

۳۰

آهنگ واژه‌ها

شما شاید در متون آموزشی‌تان دربارهٔ «واج‌آرایی» شنیده باشید. اگر می‌خواهید بدانید چگونه از واج‌آرایی در سرودن شعر استفاده کنید، خواندن این مطلب را از دست ندهید.

۳۴

خشم آب

آقای دانشی در خشم‌آب، شما را با عوامل مهم شکل‌گیری سیلاب و سونامی و همچنین با سازه‌هایی که از وقوع سیلاب پیشگیری می‌کنند، آشنا می‌کند.

عملیات پاکسازی،زندگی دانشجویی به‌نام بابك در خوابگاه است. نویسنده در این داستان، احکام دینی را در قالب قصّه،به شما آموزش می‌دهد.

۲۴

عملیات پاکسازی

یادداشت سردبیر

به نام خدا

در زندگی زرنگ‌ترین ما هم موقعیت‌هایی بوده که کار امروز را به فردا انداختیم و گفتیم از شنبه. ولی تا حالا به این فکر کرده‌اید که چرا آن شنبه مخصوص که قرار است ما به همه کارهایمان برسیم در هیچ‌کدام از تقویم‌ها نیست؟ شاید چون آن روز خاص اصلاً وجود ندارد. آن شنبه، همان لحظه‌ای است که شما تصمیم به تغییر می‌گیرید و عمل می‌کنید. حتی اگر هم دنبال یك روز خاص برای شروع می‌گردید، چه روزی بهتر از شروع فصل مدارس؟

پاییز، بهار تعلیم‌وتربیت است. محیط‌های علمی در ابتدای پاییز زندگی دوباره پیدا می‌کنند. امسال هم که به دلیل شرایط ویژه کرونا، سالی بود که بهار آن، خزان محیط‌های علمی بود و حالا بعد از این همه تعطیلی و دلتنگی، مهر، عید مدرسه رسیده است.

ما و همکاران مجله هم در این مدت خودمان را آماده کردیم و خواندنی‌های جذاب‌تری را برای شما تدارك دیده‌ایم. امسال حال و هوای مجله کمی هم تغییر کرده است. امیدوارم بپسندید. آقای محمدعلی قربانی امسال با مجله خداحافظی کرد و این مسئولیت را به من سپرد. تمام تلاش خود را خواهم کرد تا در انجام این وظیفه موفق باشم.

یادتان باشد «رشد جوان» متعلق به شماست. برای همین آن را ببینید و نظر دهید. ساده‌ترین کار این است که برای ما یك پیامك بفرستید. بنویسید که کدام بخش‌های مجله را می‌پسندید و کدام بخش‌ها را نه. و اینکه دوست دارید در مورد چه موضوعاتی در مجله بنویسیم. تمام نظرات شما را می‌خوانیم و تمام تلاش ما بر این است که آن‌ها را در شماره‌های بعدی منعکس کنیم. امسال قرار است در شبکه‌های اجتماعی هم فعال‌تر باشیم. پس در آنجا هم دنبالمان کنید و ما را به دوستان خود معرفی کنید.

دکتر زهرا باقری

طراح جلد: **مرتضی آذرخیل**
عکاس: **فرهاد سلیمانی**

راه‌های مهارِ تاپ‌تاپِ قلب

سعید بی‌نیاز
تصویرگر: سام سلماسی

برخی از تغییرهای زندگی استرس دارند. حتماً با آن‌ها روبه‌رو شده‌ای. شاید وقتی امتحان داشتی یا می‌خواستی جلوی جمع حرف بزنی استرس می‌گرفتی. تو باید با موش استرس مبارزه کنی. در این مطلب با هم می‌خواهیم چند راه مبارزه با استرس را یاد بگیریم.

۱ استرس را بشناس

وقتی می‌خواهیم با دشمن مبارزه کنیم، اول باید عملیات شناسایی انجام دهیم. برای مبارزه با استرس هم اول باید خوب آن را بشناسیم. اگر هر وقت به یك اتفاق بد فکر می‌کنی، قلبت تاپ‌تاپ می‌زند، دست‌هایت عرق می‌کنند و مدام نگرانی که اتفاق‌های بدتری برایت بیفتد، یعنی استرس داری. اگر استرس را کم نکنی شاید خودش را به‌شکل بیماری‌های گوارشی مثل دل‌درد، اسهال، یبوست و حتی زخم معده نشان دهد. بعضی وقت‌ها هم باعث بیماری‌های پوست و مو، مثل جوش‌های پوستی و ریزش مو می‌شود. وقتی بیش از حد استرس داریم، بیشتر مستعد بیماری‌های جسمی هستیم. یکی از این بیماری‌های شایع سرماخوردگی است. بین دو نفر که در معرض ویروس سرماخوردگی هستند، کسی که استرس بیشتری دارد، بیشتر احتمال دارد که سرما بخورد.

۲ بدنت را آرام کن

یکی از راه‌های امتحان‌پس‌داده در مقابله با استرس، تن‌آرامی (ریلکسیشن) است. اسمش کمی قلمبه‌سلمبه است، اما انجام‌دادنش راحت است. کافی است دراز بکشی، چشم‌هایت را ببندی و کارهای زیر را انجام دهی.

-انگشت‌های پایت را چند ثانیه سفت کن و بعد آن‌ها را شل کن؛
-ساق‌های پایت را چند ثانیه سفت کن و بعد آن‌ها را شل کن؛
-ران‌هایت را چند ثانیه سفت کن و بعد آن‌ها را شل کن؛
-شکمت را چند ثانیه سفت کن و بعد آن را شل کن؛
-نفس عمیق بکش، چند ثانیه آن را نگه دار و بعد رها کن؛
-هر دو بازویت را چند ثانیه سفت کن و بعد آن‌ها را شل کن؛
-انگشتان دستت را چند ثانیه سفت کن و بعد آن‌ها را شل کن؛
-گردنت را به چهار طرف بچرخان و بعد آن را شل کن؛
-عضله‌های صورتت را چند ثانیه سفت کن و بعد آن‌ها را شل کن.

می‌بینی چقدر آرام شدی. هر وقت استرست زیاد شد از این راه‌ها استفاده کن.

نماز آرامش

غیاث‌الدین کاظمی

وقتی می‌دانیم خدا همیشه حواسش به ماست، اصلاً چرا باید ناآرام شویم. لحظه‌های زندگی بالا و پایین دارد، اما حضور خدا مایهٔ آرامش قلب است. بالاترین داروی استرس همین است.

یاد خدا در سخت‌ترین لحظات معجزه می‌کند. قبول ندارید؟ امتحانش مجانی است. هر وقت احساس کردید ناراحتی و اضطراب بر شما غلبه کرده‌است، وضو بگیرید و در یك جای خلوت با حوصله نماز بخوانید. فرقی نمی‌کند چه نمازی. اصلاً اسمش را بگذارید نماز ارتباط با خدا، قربة الی الله! در نمازتان فقط به خدا فکر کنید و معنای ذکرهایی که می‌گویید. در قنوت هم با هر زبانی که دلتان می‌خواهد با خدا حرف بزنید و هرچه دلتان می‌خواهد بگویید.

أَلَا بِذِكْرِ اللهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ

بدانید با یاد خدا، قلب‌ها آرامش می‌یابد.(رعد، آیهٔ ۲۸)

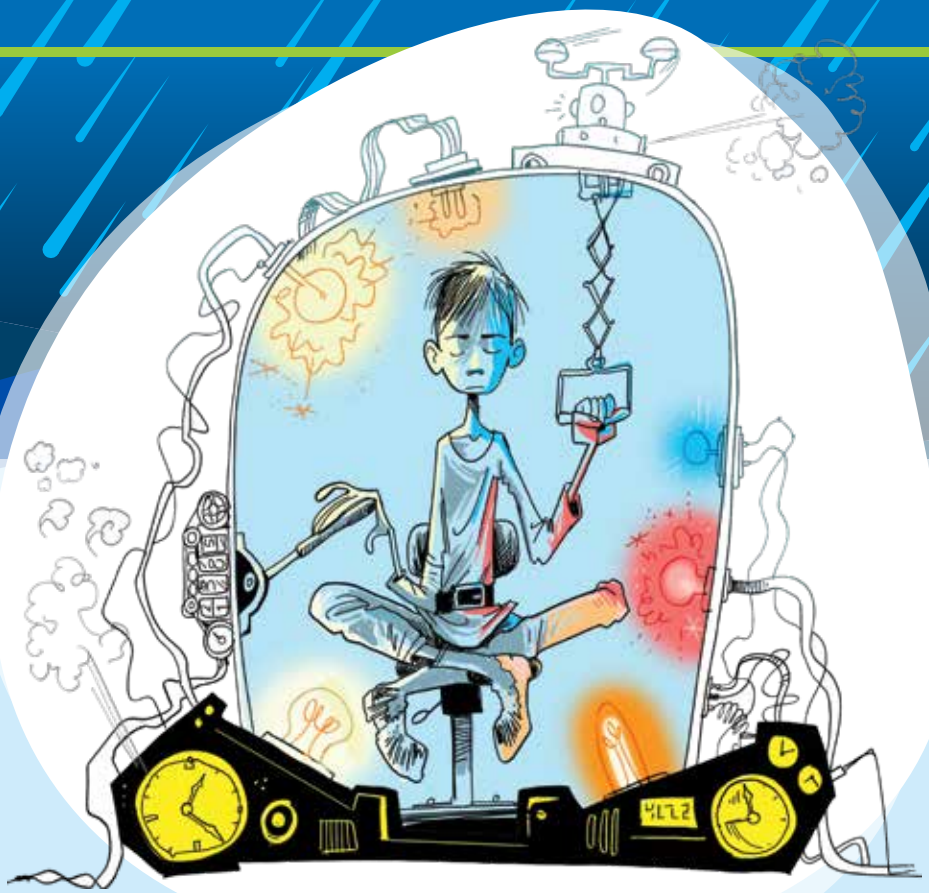

۳ سوار ماشین زمان شو

وقتی که اتفاق بدی برایمان می‌افتد، به‌اشتباه فکر می‌کنیم این اتفاق همیشگی خواهد بود. اما واقعاً این‌طور نیست. کمی خیال بباف و ذهنت را جلوتر از زمان ببر. به یک سال بعد فکر کن که همه‌چیز به روال اولش برگشته است. به ده سال بعد فکر کن که بزرگ شده‌ای و از این اتفاق بد فقط خاطره‌ای، البته تلخ، در ذهنت مانده است. شاید آن موقع خودت خانم یا آقای مسئولی شده باشی و کارهایی انجام دهی که به نوجوان‌های هم‌سن الان خودت کمك کند.

۴ فکرهایت را مدیریت کن!

تا وقتی که فکر کنی روزگارت از این هم که هست بدتر می‌شود، استرست ادامه دارد. به فکرهای منفی مثل «اگر از درسم جا بمانم چه می‌شود»، جواب‌های منطقی و روشن و واقع‌بینانه بده. می‌توانی درس‌های عقب‌مانده را جبران کنی. اگر هم جبران نشد دنیای تو به آخر نرسیده است.

۵ بیکار نمان

ذهن بیکار، بهترین جولانگاه برای فکرهای منفی و استرس‌آور است. بیکار نمان. نگذار ذهنت بیکار بماند و به فکرهای منفی راه دهد. انجام دادن کارهای شخصی حسن دیگری هم دارد؛ اینکه جلوی استرس‌های بعدی را هم می‌گیرد. مثلاً خواندن درس‌ها جلوی استرس عقب افتادن از درس‌ها را می‌گیرد.

معجزات ناامیدی پس از فاجعه

مهدی زارعی

در قرآن کریم، سوره الشّرح، آیه ۶ آمده است: «ان مع العسر یسرا»؛ یعنی: « با هر سختی آسانی است». خداوند نمی‌گوید که بعد از پایان هر سختی، دورهٔ راحتی فرامی‌رسد. بلکه می‌فرماید همراه با هر سختی، آسانی وجود دارد. این جمله را شاید انسان‌های بی‌اراده و کسانی که بعد از شکست، به‌سرعت ناامید می‌شوند، درک نکنند. اما دختران و پسران بااراده آن را به‌خوبی می‌فهمند و در زندگی خود از آن استفاده می‌کنند. برای این انسان‌ها تفاوتی ندارد که سیل بیاید، زلزله شود، یا جنگ نابودی به بار آورد. این اتفاقات، انگیزهٔ آن‌ها را برای رسیدن به هدف نه تنها کم نمی‌کند، بلکه بیشتر و بیشتر می‌کند.

عراق، درخشش در المپیک بعد از حملهٔ آمریکا

سال ۱۳۸۲ شمسی تازه شروع شده بود که خبر رسید جورج بوش رئیس‌جمهور ایالات متحدهٔ آمریکا فرمان حملهٔ این کشور به قصد تسلط بر نفت عراق را صادر کرده است. کمی بعد نیروهای مختلفی از کشورهای گوناگون به عراق حمله کردند و در مدتی کوتاه، دوران قدرت صدام در عراق به پایان رسید. در آن روزها عراق صحنهٔ خون‌ریزی و کشت‌وکشتار بود و روزی نبود که خبر کشته‌شدن تعداد زیادی از مردم به گوش نرسد. تیم فوتبال زیر ۲۳ سال عراق در چنین وضعیتی خود را برای مسابقات مقدماتی المپیک آماده کرد و عجیب بود که در مسیر بازی‌های مقدماتی، موفق شد به المپیک ۲۰۰۴ آتن (یونان) صعود کند. چند ماه بعد و در تابستان ۱۳۸۳، المپیک در حالی آغاز شد که کسی انتظاری از کشور جنگ‌زدهٔ عراق نداشت؛ اما جوانان عراقی، حالا برای شادی مردم خود، انگیزه‌های دوچندانی داشتند. بردهای پی‌درپی آنان در المپیک، آن‌ها را به محبوب‌ترین تیم بازی‌ها تبدیل کرد. زیرا تمام مردم جهان از دشواری‌های آنان آگاه بودند. سرانجام عراق بعد از آرژانتین، پاراگوئه و ایتالیا عنوان چهارم المپیک را از آن خود کرد و مردم عراق با تلاش جوانان خود، مدتی مشکلات جنگ را فراموش کردند.

مجارستان، انتقام از حملهٔ شوروی سابق در داخل آب

سال ۱۹۵۶ میلادی سالی دردناک برای ملت مجارستان بود. « ایمره ناگی» در مجارستان انقلاب کرده بود تا این کشور از سلطهٔ شوروی، ابرقدرت سابق نجات پیدا کند. اما نتیجهٔ این انقلاب، حملهٔ تانک‌های شوروی سابق به بوداپست پایتخت مجارستان و سرکوب مردم انقلابی بود. تنها چند هفته بعد، مجارها باید راهی شهر ملبورن در استرالیا می‌شدند تا در بازی‌های المپیک به میدان بروند. برای کشوری که چهار سال قبل از آن، شانزده طلا در المپیک کسب کرده بود، روحیه‌ای باقی نمانده بود. اما بازیکنان واترپلوی مجارستان خود را نمایندهٔ انقلاب مجارستان می‌دانستند. وقتی آن‌ها در نیمه‌نهایی المپیک در برابر شوروی سابق قرار گرفتند، فرصتی مناسب پیدا کرده بودند تا انتقام کودتا را در استخر بگیرند! آنان مصمم‌تر از همیشه وارد استخر شدند و چهار گل به حریف زدند. مسابقهٔ دو تیم درگیری‌های زیادی داشت و حتی اَبروی «اروین ژادور» بازیکن مجار بر اثر مشت یکی از بازیکنان شوروی شکافت؛ اما برد مجارستان، آن‌ها را به فینال و قهرمانی المپیک رساند. پس از قهرمانی، بازیکنان در حالی سرود ملی مجارستان را می‌خواندند که خانواده‌های برخی از آن‌ها به‌دلیل حضور در انقلاب، در شرف مجازات و اعدام بودند.

ورزشی ممنوع ـه‌های بزرگ

پرو، زلزله قبل از جام جهانی

وقتی پرو موفق شد بعد از چهل سال به جام جهانی فوتبال صعود کند، کسی انتظاری از این تیم تازه‌وارد در مسابقات نداشت. اما در همان روز نخست مسابقات جام جهانی ۱۹۷۰، تماشاگران متوجه شدند که پرویی‌ها با بازوبندهای مشکی وارد زمین مسابقه شده‌اند. زلزلهٔ مرگ‌باری در کشور پرو اتفاق افتاده بود و هزاران نفر را از بین برده بود. حالا بازیکنان پرو، نمایندهٔ مردم فقیری بودند که زلزله به آنان رحم نکرده بود. این بازیکنان با بازی‌های درخشان خود، پرو را به جمع هشت تیم برتر جهان رساندند و تنها در این مرحله، مغلوب برزیل، قهرمان مسابقات شدند. پرویی‌ها پس از این مسابقات، هرگز نتوانستند نتایج خود در آن رقابت‌ها را تکرار کنند.

شیلی، اتحاد پس از ویرانی

مردم شیلی هیچ‌گاه مثل مسابقات فوتبال ۱۹۶۲ با هم متحد نشده بودند. قرار بود آن‌ها میزبان جام جهانی فوتبال باشند، اما قبل از مسابقات، هولناک‌ترین زلزلهٔ تاریخ این کشور اتفاق افتاد و هزاران نفر را قربانی کرد. خسارت‌های واردشده آن‌چنان زیاد بود که برخی کشورها پیشنهاد دادند میزبانی بازی‌ها از شیلی گرفته شود. اما این صحبت‌ها، انگیزهٔ مردم و بازیکنان شیلی را برای درخشش در مسابقات بیشتر کرد. آنان حتی آماده بودند تا انتقام روزنامه‌نگارهای ایتالیایی را که می‌خواستند میزبانی از شیلی گرفته شود، در زمین از بازیکنان ایتالیا بگیرند. تماشاگران هم در طول نود دقیقه از تمام ابزارها و سلاح‌های ممکن برای تضعیف ایتالیا استفاده کردند. شیلی سرانجام دو_هیچ ایتالیا را شکست داد و با درخشش در این جام، عنوان سوم بازی‌ها را از آن خود کرد. این نتیجه، نشان داد که بلایای طبیعی نمی‌تواند در برابر اتحاد مردم شیلی، مانعی جدی محسوب شود.

آلمان، معجزهٔ برن بعد از نابودی در جنگ جهانی دوم

آلمان در جنگ جهانی دوم شکست خورده بود و همه‌چیز خود را از دست داده بود. اما مردم این کشور از فردای جنگ، تلاش شبانه‌روزی خود را آغاز کردند. مرد و زن، روزانه شانزده ساعت کار کردند و چنین شد که این کشور تنها نه سال بعد از شکست و نابودی در جنگ جهانی، به بزرگ‌ترین اقتصاد اروپا تبدیل شد. تیم فوتبال آلمان در این وضعیت راهی جام جهانی ۱۹۵۴ در سوئیس شد و وقتی در روز دوم بازی‌ها، سه_هشت به تیم قدرتمند مجارستان باخت، همه مطمئن شدند که آلمان، یکی از تیم‌های ضعیف مسابقات است. اما آلمان‌ها روزبه‌روز بهتر شدند و سرانجام در فینال، یک بار دیگر با مجارهای شکست‌ناپذیر دیدار کردند. تنها در هشت دقیقهٔ نخست، مجارستان دو گل به آلمان زده بود، اما برای مردمی که ویرانه‌های جنگ را از بین برده بودند، بازگشت در فوتبال عجیب نبود. آلمان سرانجام سه_دو برنده شد و جام جهانی را به خانه آورد. « معجزهٔ برن» در میدان فوتبال، نمادی بود از معجزهٔ اراده سازندگی و اقتصادی و معجزهٔ تلاش مردمی که با بدترین شکست‌ها نیز ناامید نشدند، چه در جنگ و چه در میدان فوتبال.

عوض کردن و عیب‌یابی انواع لامپ

بزن روشن شی!

حمیدرضا داداشی

بخشی از کار، تشخیص این موضوع است که: آیا می‌توان به سادگی مشکل را برطرف کرد یا باید آن را به یک متخصص سپرد؟ گاهی کارهای ساده‌ای وجود دارند که می‌توان انجام داد، اما برخی از کارها به متخصص نیاز دارند. لزوماً قبل از انجام هر کاری باید با بزرگ‌ترها مشورت کرد.

تصویرگر: علی عطایی

لامپ‌ها انواع متفاوت و متنوعی دارند، اما ما با چند نوع از آن‌ها بیشتر سروکار داریم: لامپ‌های رشته‌ای، لامپ‌های فِلُورْسِنْتْ[1] (مهتابی)، لامپ‌های کم‌مصرف، لامپ‌های ال.ای.دی[2]، لامپ‌های اس.ام.دی[3] (فوق کم‌مصرف)، و...

این لامپ‌ها در شکل‌های گوناگون و در مکان‌های متفاوت به‌کار گرفته می‌شوند و طول عمر اسمی (متوسط) مختلف دارند. البته با به‌کارگیری دستورالعمل‌های درج‌شده در برگه و دفترچهٔ راهنمای روی جعبهٔ آن‌ها، می‌توان از این لامپ‌ها استفادهٔ بهتری کرد تا هم بازده نوری آن‌ها افزایش یابد، هم بر عمر آن‌ها افزوده شود و هم هزینه‌های خانوار از نظر مصرف انرژی برق تا اندازهٔ زیادی کم شود. دستورالعمل‌ها حاوی نکات ساده و ظریفی هستند؛ از جمله اینکه:

به‌جای لامپ‌های نسل اول (لامپ‌های رشته‌ای) که بازده کم و گرمای زیاد، مصرف برق زیاد، و همچنین عمر کوتاه دارند، بهتر است از انواع لامپ‌های کم‌مصرف، ال.ای.دی و... استفاده کنیم. البته باید توجه داشته باشیم که از لامپ‌های کم‌مصرف نمی‌توانیم در محیط‌هایی با رطوبت زیاد مثل حمام استفاده کنیم. چرا که لامپ‌های کم‌مصرف و ال.ای.دی‌ها سازوکار و مدار الکترونیکی دارند که در برابر رطوبت بسیار حساس است و علاوه بر خرابی زودهنگام، ممکن است باعث ایجاد اتصالی در سیم‌کشی خانه و خدای ناکرده آتش‌سوزی شوند. در این مورد بهتر است از همان لامپ‌های قدیمی و رشته‌ای استفاده کنیم.

همچنین، لامپ‌های کم‌مصرف به تهویهٔ مناسب نیاز دارند. بنابراین برای چراغ‌های حباب‌دار که حبابشان کاملاً بسته است و هوا در آن‌ها جریان نمی‌یابد، از لامپ‌های کم‌مصرف استفاده نکنید.

بعضی از انواع چراغ‌های مطالعه و نورتاب‌ها (آباژور) به «دیمِر»[4] (نوعی کلید که نور لامپ را کم و زیاد می‌کند) مجهز هستند. در این نوع چراغ‌ها هم نباید از لامپ‌های کم‌مصرف استفاده کنیم.

و اما چند نکتهٔ کلیدی:

ـ هنگام باز و بسته‌کردن لامپ‌ها برای تمیز کردن و یا عوض‌کردنشان، جریان برق را از فیوز (و یا کلیدهای مینیاتوری) قطع کنید یا دست‌کم مطمئن شوید که کلید برق در حالت خاموش قرار دارد. (در صورتی که تردید دارید که کلید برق در حالت خاموش یا روشن است، حتماً باید فیوز را قطع کنید.)

ـ هیچ‌گاه با دست خیس و مرطوب لامپ‌ها را باز و بسته نکنید، چون امکان برق‌گرفتگی هست.

ـ هیچ‌گاه برای باز و بسته کردن لامپ‌های کم‌مصرف و لامپ‌های ال.ای.دی، آن‌ها را از قسمت حبابشان نگیرید چون ممکن است حباب جدا شود یا بشکند و به دستتان آسیب برساند؛ به‌ویژه که لامپ‌های کم‌مصرف با گازها و مواد سمی پرمی‌شوند که برای سلامتی بسیار زیان‌آورند.

ـ لامپ‌های سوخته و خراب را هرگز نشکنید و در سطل و کیسه زباله نریزید. آن‌ها را به مراکز بازیافت پسماندها تحویل بدهید.

ـ لامپ‌ها را در سرپیچ بیش از اندازه سفت نکنید، چون ممکن است باعث آسیب‌دیدن لامپ و سرپیچ شود. اگر لامپ سالم باشد، به سفت‌کردن بیش از اندازه نیاز ندارد. پس اگر لامپ سالم است ولی روشن نمی‌شود، ممکن است سیم‌کشی یا سرپیچ مشکل داشته باشد. در این صورت مهندس‌بازی را کنار بگذارید و برای رفع اشکال از افراد متخصص و با تجربه کمک بگیرید.

ـ برای چلچراغ (لوستر)ها و یا چراغ‌های سقفی که با چند لامپ روشن می‌شوند، بهتر است به تناسب از لامپ‌های سفید و زرد (مهتابی و آفتابی) استفاده کنید. مثلاً اگر چلچراغ شما ده شعله است، بهتر است به صورت یکی در میان لامپ مهتابی و آفتابی ببندید یا چراغ‌های سقفی اگر چهارشعله‌اند، از دو لامپ آفتابی و دو لامپ مهتابی به صورت یکی در میان استفاده کنید. در چراغ‌های سه شعله هم دو لامپ مهتابی و یک لامپ آفتابی (در وسط) ترکیب مناسبی است. به این ترتیب نور آرام‌بخشی خواهید داشت که برای چشمتان هم بهتر است.

ـ برای چراغ مطالعه حتماً از لامپ زرد (آفتابی) استفاده کنید، چون بازتاب نور سفید از کاغذ به چشمتان آسیب می‌زند و خستگی چشم را به همراه دارد.

ـ لامپ‌های کم‌مصرف به مرور زمان نوردهی اولیه را از دست می‌دهند. بنابراین استفاده از آن‌ها توصیه نمی‌شود. ضمن اینکه به دلیل استفاده از مواد شیمیایی در آن‌ها، ممکن است برای سلامتی زیان‌بار باشند. به جای آن‌ها می‌توانید از لامپ‌های ال.ای.دی استفاده کنید که هم عمر بیشتری دارند و هم سالم‌ترند.

چند نکتهٔ کلیدی‌تر یا فوت کوزه‌گری:

ـ اگر لامپ کم‌مصرف شما هرچند لحظه یک‌بار برای خودش چشمک می‌زند، راه‌حلش پیش من است: اجی، مجی، لاترجی! نه، شوخی کردم! بعضی از کلیدهای برق، یک لامپ کوچک (نئون) دارند و بعضی از انواع لامپ‌های کم‌مصرف با این کلیدها سازگاری ندارند و ناسازگاری خود را با چشمک‌زدن اعلام می‌کنند. برای رفع این مشکل لامپ را باز کنید و از آن در جایی استفاده کنید که کلیدش ساده است و لامپ نئون ندارد. مثل کلیدهای دو پُل که لامپ نئون ندارند.

ـ گاهی ممکن است لامپ سالم باشد، ولی روشن نشود. در این صورت لامپ را به سرپیچ دیگری ببندید و امتحان کنید ببینید روشن می‌شود یا نه. (اصلاً شاید برق رفته و حواستان نیست!)

ـ لامپ مهتابی (فلورسنت)، این کبوتر سفید اسیر شده در قفس شیشه‌ای بال‌بال می‌زند، ولی روشن نمی‌شود. سازوکار مهتابی‌ها پیچیده‌تر از لامپ‌های معمولی است. ممکن است اشکال در اتصالات، سوختن ترانس(بالاست)، سوختن استارتر و یا سوختن و نیم‌سوز شدن لامپ باشد. در این صورت: اگر یک طرف و یا هر دو طرف لامپ مهتابی سیاه شده، نشانهٔ آن است که مهتابی نیم‌سوز شده و باید عوض شود.

ـ اگر لامپ سالم است و سیاه نشده، ممکن است استارتر مهتابی سوخته باشد. برای اینکه متوجه شوید استارتر سالم است یا نه، یک راه‌حل ساده وجود دارد: کلید مهتابی را در حالت روشن قرار دهید. بعد استارتر را در جای خود شل و سفت کنید؛ یعنی نیم‌دور شل کنید و بلافاصله آن را سفت کنید (مواظب باشید دستتان خیس یا مرطوب نباشد). اگر مهتابی روشن شد، معلوم می‌شود که استارتر سوخته است و باید عوض شود. (توجه داشته باشید که استارتر مهتابی‌های بزرگ و کوچک تفاوت دارند؛ البته نه در اندازه که در میزان ولتاژ. بنابراین از استارتر مهتابی‌های کوچک نمی‌توانید برای مهتابی‌های بزرگ استفاده کنید.)

اگر ایراد مهتابی یکی از این دو مورد باشد که خودتان یاد گرفته‌اید که چه‌کار باید بکنید. در غیر این صورت از دست شما کاری ساخته نیست و باید از متخصص کمک بگیرید.

پی‌نوشت‌ها:

1. Fluorescent
2. Light Emitting Diode (LED)
3. Surface Mount Device (SMD)
4. Dimmer

قهرمان دور از حاشیه

بابک نبی

نسیمه غلامی را سال‌هاست که به‌عنوان کاپیتان تیم ملی فوتسال زنان کشورمان می‌شناسیم. او متولد تیرماه ۱۳۶۴ است و توانسته است با تیم ملی فوتسال دو بار قهرمان آسیا شود و برای کشورمان افتخارآفرینی و خاطره‌سازی کند. او موفقیت خودش را مدیون حمایت‌های خانواده‌اش می‌داند و معتقد است حمایت خانواده مسیر حرفه‌ای یک ورزشکار را هموار می‌کند. در این شماره از مجلهٔ رشد پای صحبت‌های او نشستیم تا به جهان ورزشی و شخصی‌اش سفری کنیم.

جوان از چه سالی و چگونه به فوتبال علاقه‌مند شدید؟

من از کودکی با پدر و برادرم در کوچه فوتبال بازی می‌کردم تا اینکه به سنی رسیدم که دیگر نمی‌توانستم در خیابان همراه با پدر فوتبال بازی کنم. به همین دلیل مرا به باشگاه فرستادند. فکر می‌کنم کلاس اول یا دوم دورهٔ راهنمایی بودم که فوتسال را شروع کردم. از سال ۱۳۷۹ فوتسال را به‌طور حرفه‌ای دنبال کردم و در سال ۱۳۸۰ به تیم ملی دعوت شدم. از آن سال تا الان در تیم ملی بازی می‌کنم و شش سالی می‌شود که عهده‌دار کاپیتانی تیم ملی فوتسال هستم.

جوان خانواده چقدر در انتخاب این مسیر تأثیرگذار بوده است؟

خانواده‌ام، مخصوصاً مادرم، بسیار مرا در این مسیر حمایت کردند. با توجه به اینکه در مسیر حرفه‌ای ورزش باید در شهرستان بازی می‌کردم، دوری از خانواده برایم سخت بود. اما مادرم خیلی کمکم کرد تا بتوانم در این مسیر پیش بروم.

جوان در چه رشته و تا چه مقطعی تحصیل کردید؟ آیا ورزش در روند تحصیلی شما تأثیر داشت؟

من لیسانس تربیت‌بدنی دارم. اما لیسانسم را دیر گرفتم و سه سال از دانشگاه به خاطر علاقه‌ای که به فوتسال داشتم، دور ماندم. بعد از آن مجدداً درسم را خواندم و لیسانسم را گرفتم. به نظر من هیچ محدودیت یا مانعی وجود ندارد که درس به مسیر حرفه‌ای ورزش آسیب برساند. خودم به دلیل هدف بزرگ ورزشی‌ام مدتی دانشگاه را کنار گذاشتم.

جوان به نظر شما تحصیلات در ورزش حرفه‌ای مؤثر است؟

به نظر من تأثیر عمده‌ای ندارد، ولی خوب است که در کنار ورزش تحصیل کنید. بسیاری از بازیکنان ما هستند که لیسانس، فوق لیسانس و حتی دکترا دارند.

جوان ورزش چه کیفیتی به روند زندگی شخصی شما بخشیده است؟

قطعاً اگر بخواهید به ورزش حرفه‌ای بپردازید، باید سالم زندگی کنید و این سالم زندگی کردن بسیار روی من تأثیر گذاشته است. من همیشه ساعت ۱۰ شب خوابیده‌ام. بسیاری از هم‌دوره‌ای‌های من ورزش را کنار گذاشته‌اند. من الان ۳۴ سال سن دارم، اما خدا را شکر می‌کنم که آن‌قدر زندگی مثبت و سالمی داشته‌ام که ورزش را ادامه دادم. ورزش به من کمک کرده است تا به این مرحله برسم.

جوان آیندهٔ ورزشی خود را چطور می‌بینید؟

به آنچه که در ورزش می‌خواستم، رسیدم. تنها چیزی که به آن نرسیدم، این است که با تیم ملی جزء سه تیم برتر جهان باشیم. آذرماه امسال قرار بود جام جهانی برگزار شود، اما به دلیل کرونا به تعویق افتاده است. از اینکه در تیم ملی بازی می‌کنم، لذت می‌برم. سعی و تلاشم را بیشتر می‌کنم تا به موفقیت بیشتری برسم.

جوان به نظرتان چه تاثیری در موفقیت دیگران داشته‌اید؟

اگر خودستایی تلقی نشود، باید بگویم، خیلی از نوجوانان و جوانان در شبکه‌های اجتماعی که هستند، به من پیغام می‌دهند و می‌گویند شما الگوی ورزشی ما هستید. من خیلی از شنیدن این حرف خوش‌حال می‌شوم. البته با این حرف‌ها مسئولیت من سنگین‌تر می‌شود. سعی می‌کنم در مسیر زندگی و ورزش، اخلاق غیرورزشی و ناهنجاری از خودم نشان ندهم و همیشه مراقب رفتارم باشم.

جوان یک الگو چه خصوصیاتی باید داشته باشد؟

امروزه، همهٔ ما عضو شبکه‌های اجتماعی هستیم و همه، ما را آنجا می‌بینند و نظاره‌گر رفتار فردی و اجتماعی ما هستند. به همین دلیل باید بیشتر مراقبت باشیم و به نظر من اخلاق بسیار اهمیت دارد. علاوه بر اینکه اگر بازیکنی مهم و

تکنیکی باشی، اخلاق بسیار تأثیرگذارتر است. من همیشه کوشیده‌ام تا جایی که می‌توانم به بچه‌ها کمک کنم.

جوان روزانه چقدر تمرین می‌کنید؟
روزی دو تا سه ساعت.

جوان خصوصیات اخلاقی ورزشکار حرفه‌ای باید چطور باشد؟
ورزشکار حرفه‌ای باید از حاشیه دور باشد تا بتواند موفق شود.

جوان در کشور ما برای خانم‌ها در سطح ورزش حرفه‌ای چه محدودیتی وجود دارد؟
من از سال ۱۳۷۹ که در تیم ملی بودم، خیلی سختی کشیدیم. در آن زمان ما حتی لباس تمرین نداشتیم. اما از بعد از قهرمانی در آسیا دیدگاه مردم و فدراسیون نسبت به ما عوض شده است و بیشتر از قبل از ما حمایت می‌کنند. حتی حجاب ما باعث محدودیت ما نشد و با همین حجاب قهرمان آسیا و پنجم جهان شدیم.

جوان میانه‌تان با کتاب خواندن چطور است؟
مزیت خوب کرونا این بود که من در دوران قرنطینه کتاب خواندم. در قرنطینه هفت کتاب خوب دربارهٔ شکرگزاری خداوند خواندم.

جوان تفریح مورد علاقه‌تان چیست؟
آن‌قدر درگیر تمرینات هستم که سعی می‌کنم فقط در کنار خانواده باشم؛ چون همیشه از خانواده دورم. من در مشهد بازی می‌کردم و از خانواده‌ام دور بودم. به همین دلیل سعی می‌کنم همهٔ تفریحاتم با خانواده باشد.

جوان میانه‌تان با سفر چطور است؟
خیلی خوب است.

جوان اگر بخواهید نقطه‌ای را برای سفر داخلی در ایران پیشنهاد دهید، کجاست؟
پدرم اهل سوادکوه است و ما بیشتر وقت‌ها به شمال می‌رویم. بنابراین منطقهٔ سوادکوه را پیشنهاد می‌دهم.

جوان در زندگی شخصی سقف آرزویتان کجاست؟
تا به حال به این موضوع فکر نکرده‌ام. همیشه ورزش را در زندگی دیده‌ام و جز آرزوهای ورزشی سقف آرزوی دیگری نداشته‌ام.

جوان در حال حاضر شرایط ورزشی مدرسه‌ها را چطور می‌بینید؟
خیلی ازشرایط مدرسه‌ها خبر ندارم. دردوره‌ای که من به مدرسه می‌رفتم، هیچ توجهی به ورزش نمی‌شد. اما بسیاری از دوستان ورزشکار من که معلم هستند، می‌گویند در حال حاضر خیلی به مدرسه‌ها توجه می‌کنند. در این صورت، دختران ما در آینده می‌توانند تأثیرگذار باشند و جایگزین بازیکنانی مانند من شوند که قرار است در سال‌های بعد خداحافظی کنند.

جوان بهترین و بدترین خصوصیت اخلاقی‌تان چیست؟
بهترین خصوصیات اخلاقی من این است که آدم کینه‌ای نیستم. حتی دشمنم را هم می‌بخشم و همیشه برایش آرزوی موفقیت می‌کنم. بدترین خصوصیت اخلاقی‌ام هم این است که زودرنج هستم.

جوان از چه چیزی بیشتر آزار می‌بینید؟
دورویی مرا خیلی آزار می‌دهد. ولی هیچ وقت به روی کسی نیاورده‌ام و همیشه بخشنده بودم.

جوان اگر در زندگی به عقب برگردید، دوباره همین مسیر را انتخاب می‌کنید؟
صددرصد.

جوان برای دخترخانم‌هایی که می‌خواهند وارد ورزش حرفه‌ای، مانند فوتبال شوند، چه توصیه و پیشنهادی دارید؟
واقعاً یکی از شرایط موفقیت این است که سالم زندگی کنند. من همیشه ساعت ۱۰ شب خوابیده‌ام. همچنین باید هدف بزرگی داشته باشند که موفق شوند و همین‌طور حمایت خانواده بسیار مهم است. چون علاوه بر اینکه پدر و مادرهای زیادی هستند که در این زمینه از فرزندان خود حمایت نمی‌کنند، بسیاری از پدرها و مادرها این ورزش را رشته‌ای مردانه می‌دانند.
اگر در زندگی هدف دارند و به این رشته علاقه‌مندند، آن را انتخاب کنند و ادامه دهند. موقعی که من ورزش را شروع کردم، همه می‌گفتند دختر را چه به فوتبال. من از این دیدگاه خیلی اذیت شدم. خیلی تلاش کردم تا به همه ثابت کنم که می‌توانم. توصیهٔ من این است که خیلی تلاش کنند و به حرف‌های منفی دیگران گوش ندهند و آنچه را می‌خواهند، به دست آورند.

یک جنگ بزرگ، به چه دلیلی آغاز می‌شود؟ درباره جنگ جهانی اول می‌گویند: «روز ۲۸ ژوئن ۱۹۱۴ولیعهد اتریش و همسرش در هنگام بازدید از شهر سارایه‌وو گم شدند. کسی نفهمید آیا راننده مسیر را اشتباه کرد یا عمداً آن‌ها را به کوچه پس‌کوچه‌های شهر برد. حتی در بعضی داستان‌ها گفته می‌شود اختیار ماشین از دست راننده خارج شده بود! اما در یکی از همین کوچه‌ها، یک دانشجوی صربستانی به آن‌ها شلیک کرد و ولیعهد و همسرش کشته شدند.»

به این ترتیب جنگی شروع شد که ۴ سال طول کشید، ۱۷ میلیون انسان را به کشتن داد و باعث نابودی چند حکومت قدیمی شد.

راستی اگر این اتفاقات نمی‌افتاد، مثلاً ماشین مسیر عادی خود را می‌رفت و ولیعهد اتریش هم کشته نمی‌شد، آیا چنین جنگ خونینی رخ نمی‌داد؟!

نوید استادرحیمی

دانشجوی صرب که ولیعهد و همسرش را به قتل رساند.

جنگ آفتاب

فرض کنید چند کشور قدرتمند در برابر هم قرار گرفته‌اند و همگی در آرزوی جنگ با یکدیگر هستند. اما می‌دانند که کشور مقابلشان هم قدرت زیادی دارد و نمی‌توان به راحتی آن را شکست داد. پس در این شرایط همه مجبورند با هم، صلح کنند. در حالی که همگی منتظر اولین فرصت هستند که دشمن خود را شکست دهند.

این شرایط از چهل سال قبل از جنگ جهانی اول در اروپا حاکم بود و به آن «صلح مسلح» می‌گفتند؛ یعنی صلحی که اگر ترس از سلاح‌های رقبا نبود، از مدت‌ها قبل تبدیل به جنگ می‌شد. در این شرایط بهترین کار این است که هر کشور مثل یک شطرنج‌باز با مهره‌هایش بازی کند.

در طول سال‌ها، کشورها تا توانستند قدرت خود را به رخ هم کشیدند. مثلاً امپراتور آلمان که می‌دانست کشور مراکش در شمال آفریقا، زیر سلطه فرانسه است، سفری به مراکش کرد و در سخنرانی خود اعلام کرد که مراکش باید استقلال داشته باشد.

از سال ۱۸۷۱ که کشور آلمان متولد شد، شرایط اروپا تغییر کرد. آلمانی‌ها در مدتی کوتاه به قدرت سیاسی و اقتصادی بزرگی در اروپا تبدیل شدند. اما یک قدرت اقتصادی مجبور است کالاهای خود را به کشورهای ضعیف‌تر صادر کند. اما به کجا؟ کشورهایی مثل بریتانیا و فرانسه قبلاً این کارها را انجام داده بودند و حالا دیگر جایی برای قدرت جدیدی باقی نمانده بود.

بدتر از آن، شرایط سیاسی بود. آلمان به‌عنوان یک قدرت سیاسی می‌خواست سرزمین‌های ضعیف‌تری را در سراسر دنیا تصرف کند. اما تمام نقاط دورافتاده آسیا و آفریقا هم توسط قدرت‌هایی مثل روسیه، بریتانیا، فرانسه و ایتالیا تصرف شده بودند.

به همین خاطر آلمانی‌ها می‌گفتند: «ما به دنبال جایی در آفتاب هستیم!» اما چنین سرزمینی دیگر پیدا نمی‌شد.

در شرق اروپا هم جنگ‌هایی چند ماهه رخ داده بود، یک بار ایتالیا علیه امپراطوری عثمانی و یک بار اتحاد چند کشور کوچک علیه امپراطوری عثمانی. به همین خاطر وقتی جنگ جهانی اول شروع شد، بیشتر مردم راهی جبهه‌ها شدند. چون فکر می‌کردند این جنگ هم بعد از چند ماه تمام می‌شود و همه می‌خواستند برای تعطیلات کریسمس سال ۱۹۱۵ در خانه‌های خود باشند!

بالاخره بهانه‌ها ایجاد شد. ولیعهد اتریش که در سرزمین صربستان کشته شد، دولت اتریش به صرب‌ها اولتیماتوم داد و اعلام کرد ما باید تحقیق کنیم تا ببینیم عامل این قتل چه بوده؟ جواب اتریشی‌ها «دولت صربستان» بود! البته دولت صربستان هم این را نپذیرفت که اتریشی‌ها چنین حرفی بزنند. در این شرایط روسیه به کمک صرب‌ها آمد و آلمان به کمک اتریش. آلمان در همان حال تصمیم به جنگ با فرانسه را گرفت و برای این منظور، کشور بی‌طرف بلژیک را تصرف کرد تا بریتانیا هم علیه آلمان وارد جنگ شود!
سه سال بعد از آغاز جنگ، آمریکا هم به بهانه غرق شدن کشتی‌هایش توسط آلمان‌ها، علیه آلمان وارد جنگ شد.

سرانجام با پایان جنگ جهانی اول، قرار شد سران کشورها در کاخ ورسای فرانسه ملاقات کنند و درباره اتفاقات رخ داده در جنگ تصمیم بگیرند. در «کنفرانس صلح ورسای» کشور شکست خوردهٔ جنگ -آلمان- به عنوان کشور شروع کننده جنگ شناخته شد و مجبور شد سنگین‌ترین غرامت‌ها را به کشورهای پیروز بدهد. علاوه بر آن، بسیاری از سرزمین‌های خود را نیز از دست داد.

اما آیا این برخورد با کشور شکست خورده، باعث شد که پس از آن، دیگر جنگی رخ ندهد؟! از قضا همین نوع برخوردها و فشار اقتصادی شدید باعث شد که آلمان‌ها دوباره متحد شده و ۲۰ سال بعد، جنگ جهانی دوم را آغاز کنند! البته در جنگ جهانی دوم، دو کشور ایتالیا و ژاپن (که در جنگ اول، دشمن آلمان بودند) با آلمان متحد شدند. زیرا دیده بودند که با وجود پیروزی در جنگ اول، سهمی از غنیمت‌ها به آن‌ها نرسید!

در جنگ جهانی اول برای نخستین بار از سلاح‌های شیمیایی استفاده شد، هواپیماها وارد جنگ شدند و بسیاری از مناطق مسکونی و انسان‌های بی‌گناه را بمباران کردند.

جنگ سبب شد که کشورهای نیرومند وارد کشورهای ضعیف‌تر شوند و اثرات فراوانی روی این کشورها بگذارند. مثلاً در ایران، بریتانیایی‌ها کل منابع گندم سیستان را برای سربازان خود خریداری کردند و ناگاه قیمت گندم به خرواری ۲۰ تومان افزایش یافت. روس‌ها هم در شمال، منابع آذوغه، غله و مواد غذایی کشور را تصاحب کردند. در این شرایط محتکران از فرصت استفاده کردند و در شرایطی که انبوه مردم از گرسنگی و شیوع بیماری (آنفولانزای اسپانیایی) در حال مرگ بودند، گندم را در انبارها احتکار کردند. حریص‌ترین این محتکران احمد شاه (پادشاه قاجار) بود که حتی حاضر نمی شد، گندم را با نرخ دولتی بفروشد و همواره با بالاترین قیمت ممکن گندم‌ها را می فروخت!
نتیجهٔ این امر، مرگ و میر میلیون‌ها ایرانی بود. گفته می‌شود از جمعیت ایران، یک سوم مردم به دلیل گرسنگی از دنیا رفتند.
در پایان نبرد، کشورهایی که همگی در مرکز نقشه اروپا به هم متصل بودند و «متحدین» نام گرفته بودند (آلمان، اتریش، عثمانی و بلغارستان) در برابر دشمنان خود که بسیاری از آن‌ها با هم همسایه نبودند و به همین خاطر «متفقین» نام داشتند (مثل بریتانیا، فرانسه، آمریکا، ژاپن و..) شکست خوردند.

یک لطیفه تکراری را همه شنیده‌ایم که می‌گوید: «اگر ادیسون برق را اختراع نمی‌کرد، یک نفر دیگر برق را اختراع می‌کرد!»
اما این مسئله در جنگ جهانی، دیگر لطیفه نیست و واقعیت دارد. اگر «آرشیدوک فرانس فردیناند» ولیعهد اتریش توسط «گاوریلو پرنسیپ» جوان دانشجو کشته نمی‌شد، بالاخره بهانه‌ای دیگر برای جنگ به وجود می‌آمد و نبرد بزرگ بالاخره رخ می‌داد.

رگـال ایـــرانی

لباس‌های محلی ترکمن‌ها، گیلانی‌ها، بلوچ‌ها و کردها

نازیلا ناظمی

فکر می‌کنید اولین اختراع یا ابتکار انسان چه بوده است؟ آتش، چرخ، کوره یا ساختن ابزار سنگی؟ خب به نظر می‌آید اولین اختراع یا ابتکار انسان لباس بوده است. انسان از زمانی که از وجود خودش آگاهی یافت، متوجه شد که باید در برابر سرما و گرما یا آسیب‌های دیگر بدنش را حفظ کند. به احتمال بسیار، انسان تهیهٔ لباس را از حیوانات و براساس پوست یا پر آن‌ها تقلید کرد. او در وهلهٔ اول برگ‌ها و پوست درختان و گیاهان را برای پوشاندن بدنش مناسب یافت و سپس از پوست حیوانات استفاده کرد و پس از آن به‌تدریج تبدیل پشم به نخ و بافتن پارچه را آموخت. البته خیلی پیش از این، یعنی همان زمان که پوست حیوانات را برای پوشش خود انتخاب کرده بود، یاد گرفت که با استفاده از رودهٔ حیوانات نخ‌هایی برای وصل‌کردن تکه‌های پوست درست کند.

انسان هر کجای کرهٔ خاکی که زندگی می‌کرد، با توجه به منطقه و آب و هوای آن ناحیه و همچنین مواد اولیه‌ای که در اختیار داشت، لباس‌هایی مناسب تهیه می‌کرد . انسان در تهیهٔ لباس برای خود، بسیار سریع پیشرفت کرد تا آنکه لباس‌ها دیگر تنها برای محافظت او در برابر سرما و گرما و آسیب‌های دیگر نبودند، آن‌ها به نشانه‌هایی از هویت، ملیت، فرهنگ و باورها و عقاید مذهبی انسان‌ها تبدیل شدند. به همین دلیل حتی در قلمروی یک سرزمین هم انواع متفاوتی از لباس‌ها دیده می‌شود. برای مثال در همین سرزمین خودمان، فکر می‌کنید اقوام ساکن در آن چند نوع پوشاک دارند؟

لباس‌هایی که در عین زیبایی، نشان‌دهندهٔ مظاهر فرهنگی، جغرافیایی و آب و هوایی هر قومی هستند. هرچند امروزه معمولاً همهٔ مردم شبیه به هم لباس می‌پوشند، اما لباس‌های سنتی اقوام همچنان جایگاه ویژه‌ای دارند. حالا بیایید با هم به‌سراغ ویژگی‌های پوشاک تعدادی از اقوام ساکن در ایران برویم تا با خصوصیات آن‌ها آشنا شویم. شاید در فرصت‌های دیگر پوشاک سایر اقوام را هم معرفی و حتی آن‌ها را با هم مقایسه کنیم.

کرد

یکی از مجموعه لباس‌های محلی متنوع و زیبا و قدیمی ایران متعلق به قوم کرد است.

لباس مردان کرد عبارت است از:

۱. چوخه: نیم‌تنه‌ای از پشم است که در بعضی نواحی کردستان به آن «که‌وا» می‌گویند.

۲. ملکی: نیم‌تنهٔ مردانه بدون یقه که دکمه‌های سرتاسری دارد.

۳. پاتول: شلواری گشاد است که دمپای تنگی دارد و معروف است.

۴. لفکه: پیراهنی است با آستین‌های گشاد که لبهٔ آن مثلث‌شکل است و به دور مچ بسته می‌شود.

۵. شال: از پارچه‌ای خشتی و بسیار گران‌قیمت تهیه می‌شود.

۶. دستار: همچنین به آن «کلاغه» و «مندلی» می‌گویند و نماد مردان کرد است.

۷. کلاش: گیوه‌ای است به رنگ سفید که از نظر سلامت نیز برای پا بسیار سودمند است.

ترکمن

زنـان ترکمـن معمـولاً خودشـان پـس از نخ‌ریسـی پارچه می‌بافتند و سـپس آن‌ها را با رنگ‌های طبیعی، مثل رنگ دانهٔ انار یا نیل، رنگ می‌کردند. لباس زنـان و مردان ترکمن تفاوت بسـیاری بـا هم دارنـد و البته لباس‌هـا با توجه به نوع استفاده و سن افراد نیز با هم متفاوتند. ببینیم برخی از اجزای لباس زنان ترکمن چه بوده‌اند:

۱. کونیـک: پیراهنی از جنس ابریشـم و معمولاً به رنگ قرمز اسـت؛ لباسـی بـا دامـن و آسـتین بلند که در حاشـیه و سرآستین‌های آن سـوزن‌دوزی‌های ظریفی دارد.

۲. قوشـاق: کمربندی ابریشـمی است که هنگام کار بسـته می‌شـود و لباس را کوتاه‌تر می‌کند.

۳. چابیـت: کـه «شـاوت قبـا» هم به آن می‌گوینـد، بالاپوشـی از مخمـل بـا آسـتین کوتاه اسـت که قسمت جلوی آن باز است.

۴. چکمـن: لباسـی پشـمی اسـت کـه بـر اسـاس نـوع پشـم، بـه آن «اینچه چکمن» و «یوغین چکمن» می‌گویند.

۵. بالاق: شلوار زنان ترکمن که دمپای تنگی دارد، بالاق نامیده می‌شود.

۶. بوروک: کلاه گرد یا عرقچین است که «تاسه‌گ» و «تاخیه» هم نامیده می‌شود.

۷. چارقـد: روسـری بزرگـی است با نقش گل و ریشه.

۸. یالیق: روسری بسیار نازک ابریشمی است که در خانه سر می‌کنند.

گیلک

لبـاس مـردان و زنان گیـلان نزدیکی و پیوسـتگی بسـیاری با طبیعت سرسبز گیلان دارد. لباس مردان گیلان عبارت است از:

۱. جلیقـه: کـه بـه آن «جلقـده» هـم می‌گویند و از دو جنس برای زمسـتان و تابستان دوخته می‌شود.

۲. شـلوار: کـه بـه آن «شـلار» هـم می‌گوینـد، از پارچـهٔ سـیاه، شـیری و خاکسـتری بـا دمپـای تنـگ درسـت می‌شود.

۳. کـت: کـت مـردان انـواع متفاوتـی دارد. مثـلاً مـردان تالش از کتی به نام «چوخا» استفاده می‌کردند.

۴. کفـش: یکـی از انـواع کفش‌هـای مـردان کفشـی بـه نـام «چومـوش» است که با چرم درست می‌شود. انواع دیگـر کفش‌هـا بـه نام‌های «ارسـی»، «چاروق» و «کفش چوبی» معروف‌اند.

۵. کلاه: کلاه مـردان از نمـد و پوسـت بره تهیه می‌شد. چوپان‌های گیلان نیز پوششـی به نام «باشلاق» داشتند که ضدآب بود.

۶. کـولا: کـه «شـولا» هـم نامیـده می‌شود، روپوشی گرم است از جنس نمد که به نام «کولاگیر» هم معروف است و به درد کوهستان می‌خورد.

بلوچ

ظرافـت،زیبایـی و حـداعـلای‌هنرهـای دسـتی را می‌تـوان در سـوزن‌دوزی‌های زنان بلوچ دید.

طرح‌های این سوزن‌دوزی‌ها ازقدمتی چندهزارسـاله برخوردارند و همچنان از آن‌ها استفاده می‌شود.

۱. پیراهـن: کـه تمـام یـا سـه تکـهٔ آن دارای سوزن‌دوزی است.

۲. موچی: کفشـی اسـت که موقع راه رفتن صدا می‌کند.

۳. سـواس: نوعـی کفـش زنـان بلـوچ است که از پوست درخت تهیه می‌شود.

۴. مهنـا: سرپوشـی از جنس ابریشـم رنگی است.

۵. سـری: چادر چهارگوشـی اسـت که «سـریک» هـم نامیـده می‌شـود و از حریر با رنگ‌های روشن تهیه می‌شود.

۶. گشـان‌چادر: چـادری کـوچک و مستطیل‌شکل است و بیشتر در خانه از آن استفاده می‌شود.

۷. چـادر گـرد: نوعی دیگر از سـرانداز زنان بلوچ است که تمام قد را از پشت دربرمی‌گیرد.

علم بهتر است یا مهارت؟!

دکتر حسن ملکی

مجله‌هایی که در طول سال تحصیلی، هر ماه آماده می‌شوند و به دست شما می‌رسند، در «دفتر انتشارات و فناوری آموزشی»، توسط ما و همکارانمان با کار و تلاش فراوان تولید می‌شوند. این دفتر بخشی از سازمانی بزرگ به نام «سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی» است؛ یعنی همان جایی که کتاب‌های درسی شما توسط بهترین نویسندگان تألیف می شوند. در این شماره به سراغ ریاست این سازمان، یعنی دکتر حسن ملکی رفتیم و از ایشان خواستیم در مورد مهارت‌های زندگی برای ما صحبت کنند.

زندگی انسان بر سه پایه استوار است: مهارت‌ها، دانش‌ها، و ارزش‌ها.

ولی این مهارت‌ها هستند که رکن اصلی یك زندگی پویا محسوب می‌شوند و اگر حذف شوند، تنها دانش‌ها و حفظیات برای شخص باقی می‌مانند که آن‌ها هم، به تنهایی و بدون مهارت‌های زندگی نمی‌توانند انسان را در مسیر درست رو به جلو پیش ببرند.

در واقع، معلولیت‌ها در انسان‌ها به دو صورت هستند: ۱. جسمانی؛ ۲. تربیتی.

معلولیت تربیتی به صورت نبود مهارت‌های زندگی در یك فرد بروز می‌کند که خوش‌بختانه معلولیتی قابل معالجه است. فردی معلولیت تربیتی دارد که در مقابل عوامل محیطی به‌طور فعال عمل نکند و عمل و اراده، محور زندگی او نباشد. همان‌طور که معلولیت جسمانی یك سلسله محدودیت‌ها برای فرد به همراه می‌آورد، فردی که دارای معلولیت تربیتی است هم محدودیت‌هایی دارد و نیازمند توجه خاص دیگران است.

- مهارت‌های زندگی مجموعه‌ای از توانایی‌هایی هستند که به انسان قدرت می‌دهند، بتواند ارتباطاتش را با خود، طبیعت و سایر انسان‌ها به صورتی برقرار کند که یك زندگی با عزت، معقول و منطقی داشته باشد.
- یادگیری مهارت‌ها سهولت و راحتی، و آگاهی و توانایی را در زندگی به ارمغان می‌آورد.
- مهارت‌ها در زندگی جایگزین ندارند و نمی‌توان جای خالی آن‌ها را با علم و دانش پر کرد. مهارت‌ها با تمرین و ممارست به دست می‌آیند.
- سه دستهٔ مهم مهارت‌ها شامل مهارت‌های فردی، مهارت‌های اجتماعی، و مهارت‌های علمی می‌شوند.

عکاس: اعظم لاریجانی

مهارت‌های فردی

در زندگی هر فردی، قبل از اینکه او بخواهد مهارت ارتباط با دیگران را در خود بهبود بخشد، باید ابتدا مهارت فردی داشته باشد. یعنی به خودشناسی دست پیدا کند و بتواند خودش را مدیریت کند. هر فردی اول باید بداند کاستی‌های شخصیتی‌اش کدام‌اند تا بتواند آن‌ها را برطرف کند. نقاط ضعف را اول باید شناخت تا بتوان آن‌ها را به نقاط قوت تبدیل کرد.

همهٔ ما باید «**مهارت مقابله با اضطراب**» را برای مقابله با فشارهای روانی و عاطفی یادبگیریم. همچنین، همهٔ انسان‌ها نیازمند **مهارت اندیشیدن** و **مهارت تصمیم‌گیری** در زندگی‌شان هستند.

یادگیری مهارت‌های فردی در آینده جلوهٔ اجتماعی هم برای ما به همراه خواهد داشت و در ارتباط‌های اجتماعی هم کمک می‌کند فرد موفق‌تری باشیم.

مهارت‌های علمی

همهٔ ما در زندگی محتاج علم هستیم. از ساده‌ترین مهارت‌های علمی در زندگی، مهارت آداب مطالعه‌کردن و مهارت روش تحقیق هستند.

در دنیای پر از فناوری امروز، انسانی که پژوهشگرانه و با تحقیق زندگی نکند، آسیب می‌بیند. به راحتی فریب فناوری را می‌خورد و مسیر درست را پیدا نمی‌کند. در قرآن مجید هم آمده است که از ظن و گمان پیروی نکنید. پس مهارت پژوهش بر هر فردی واجب است.

مهارت‌های علمی دیگر شامل این مهارت‌ها می‌شوند:

مهارت‌های سیاسی: هر فردی، برای رأی دادن، چه در مدرسه و چه در زندگی اجتماعی خود، به این مهارت‌ها نیاز دارد.

مهارت‌های اقتصادی: هنرهای برقراری تعادل بین دخل و خرج هستند.

مهارت‌های تصمیم‌گیری و روش تحقیق: هر فردی در سن دبیرستان برای داشتن هدایت تحصیلی موفق و انتخاب رشته به آن‌ها نیاز دارد.

در نهایت بدون مهارت‌ها انسان آسیب می‌بیند و در زندگی محتاج دیگران است.

مهارت‌های اجتماعی

انسان‌ها در خانواده به دنیا می‌آیند و خانواده اولین نهاد اجتماعی است. پس انسان‌ها از ابتدا موجوداتی اجتماعی هستند و به یادگیری مهارت‌های اجتماعی، مثل **مهارت‌های گفت‌وگو**، **همدلی و همکاری** نیاز دارند.

افراد در زندگی اجتماعی به چهار دسته مهم تقسیم می‌شوند:

دستهٔ اول افرادی هستند که در اجتماع هضم می‌شوند. یعنی از خودشان ارادهٔ کمی دارند و در جمع ذوب می‌شوند و نمونهٔ عملی این ضرب‌المثل هستند که: «خواهی نشوی رسوا، همرنگ جماعت شو.»

دستهٔ دوم افراد گوشه‌گیر و اجتماع‌گریز هستند. در شرایط افراطی، این اجتماع‌گریزی نوعی بیماری محسوب می‌شود و به درمان نیاز دارد.

دستهٔ سوم افراد اجتماع‌ستیزند که اهل خشونت و درگیری و دعوا هستند.

دستهٔ چهارم اجتماع‌گرا هستند. این افراد مهارت‌های اجتماعی را بلدند و برخلاف دسته‌های دیگر مناسبات معقولی با دیگران برقرار می‌کنند. آنان با مهارت‌های اجتماعی که فرا گرفته‌اند، خودشان را مدیریت می‌کنند.

اگر رومینا بودم...

زهرا فرنیا

داستان رومینا را همهٔ ما شنیده‌ایم. ماجرایی تلخ که در آن دانش‌آموز نوجوانی به‌دست پدرش بی‌رحمانه کشته شد. اما دردناکی قضیه جایی حس می‌شود که همهٔ ما خود را رومینا می‌بینیم و با حس یک دختر ۱۳ سالهٔ بی‌پناه و آسیب‌دیده، همذات‌پنداری می‌کنیم. فکر می‌کنیم اگر این اتفاق برای ما می‌افتاد چطور می‌شد؟ آیا ما نیز قربانی خشونت خانگی بوده‌ایم؟ اگر خشونت در زندگی ما باشد، چطور باید با آن مقابله کنیم؟

در این قسمت به سوالاتی که ممکن است در خصوص ماجرای رومینا برای شما پیش بیاید، پاسخ می‌دهیم.

قانون چه کمک‌هایی می‌تواند بکند؟

شماره تماس ۱۲۳ یکی از راه‌هایی است که می‌توانید از طریق آن کمک بگیرید. این شمارهٔ آسان و به‌خاطر ماندنی، شماره تماس اورژانس اجتماعی، زیر نظر سازمان بهزیستی کشور است. شما می‌توانید تماس بگیرید، مشاوره بخواهید و کمک اورژانسی بگیرید. معاونت امور زنان و خانواده ریاست‌جمهوری، بارها بر حمایت بی‌چون و چرا از مراجعه‌کنندگان به اورژانس اجتماعی، تاکید کرده است (البته این شماره هم برای دختران و هم پسران است). گزارش مشکلات به این شماره، می‌تواند گام اول نجات قربانی باشد.

اگر من در شرایط مشابه رومینا قرار داشتم، باید چه کنم؟

من فکر می‌کنم آنقدر که ریاضی و زبان و زیست بلدیم، راه‌حل چنین مسائلی را بلد نیستیم. اول از همه بهتر است با شخصی بزرگتر یا هم‌سنی عاقل و معتمد، مشکلاتمان را درمیان بگذاریم. گفته می‌شد که رومینا بسیار کم حرف می‌زد و تودار بود. طبق نظر روانشناسان، این رفتار بسیاری از اشخاص آسیب دیده‌است. اعتماد برایشان سخت می‌شود و از بیان نظرها و احساساتشان عاجزند. اگر در چنین موقعیتی هستید، سعی کنید که صحبت کنید، کمک بخواهید و مشورت‌بگیرید.

برخورد قانون با چنین آزارهایی چیست؟

به لحاظ قانونی، کودک‌آزاری (کودک به معنای دختر و پسر زیر سن قانونی) از جرم‌هایی است که درصورت اثبات، بدون وجود شاکی، می‌تواند مجازات و حبس داشته‌باشد. یعنی اگر کسی با این شرایط سنی در محیطی آزار ببیند و اثبات شود، هرچند فرد آسیب‌دیده شکایتی نداشته باشد، آزاررسان دستگیر و راهی دادگاه می‌شود.

کسی را نمی‌شناسم که صحبت کنم.

با مشاور مدرسه، معلم‌ها، ناظم یا مدیر مدرسه‌تان صحبت کنید. یکی از طرح‌های مهم آموزش و پرورش، شناسایی، حمایت و راهنمایی دانش‌آموزان در معرض خطر است. طرح ملی نماد یا نظام مراقبتی،اجتماعی‌دانش‌آموزان سراسر کشور، تمام تلاشش را برای بهبود زندگی اجتماعی دانش‌آموزان می‌کند اما مهم است که دربارهٔ مشکلتان صحبت کنید. شاید بدون گفتن شما، کسی متوجه‌اش نشود.

مسیر تاریک الماس

مریم حدادی

«جدول **مندلیف**» دارای چند ستون ساده است که تقسیم شده‌اند به چند خانه و در هرکدام عنصری مستأجر است که سازندهٔ من و شما و زمین و آسمان است. سند یکی از این خانه‌ها را به اسم نوک مداد توی جامدادی‌تان زده‌اند! نوک مداد یک شکل از کربن است و چون تحمل تب و تاب فشار را نداشته، در میان استوانه‌ای چوبی اسیر شده است. کارش این است که چند خطی توی دفتر بنویسد، بعد هم با آفتاب و مهتاب از حافظه‌اش پاک شود. خود مداد پس از مدتی کوچک می‌شود و دیگر در دست جای نمی‌گیرد. ایده‌آلش می‌شود اینکه در تفکیک زباله‌ها بفرستیمش برای خرد شدن، یا ساخت زغال آتش.

اما وقتی همین کربن زیر فشار صبوری کرد، الماس شد و داخل موزه‌ها و گنجینه‌ها نشست، کسی نمی‌تواند رویش قیمت بگذارد، همیشه هم روی دست می‌نشیند نه زیر آن!

الماس از همان نقطهٔ ابتدایی کم نمی‌آورد. بیا و الماس باش؛ از همین نقطهٔ شروع، از همین شروع سال تحصیلی با توکل به خدا. برای بالا و پایین‌ها و سرازیری و سربالایی‌ها تاب و تحمل داشته باش، رفته‌رفته محکم می‌شوی. توی سرپایینی بیفتی یاد می‌گیری چطور کنترل سرعت داشته باشی، توی سربالایی کم نیاوردن نفس، توی سطح هموار، یکنواخت رفتن، و در جادهٔ ناهموار، مهارت راه رفتن را می‌آموزی.

تو بهترین خودت باش، خدا می‌داند چطور سختی‌ها و شیرینی‌ها را بچیند تا الماس شوی!

اعتماد کن!

توکل کن!

قوانین وسواسی ها

روح‌اللّه مالمیر

نرگس رفاهی تابستان ۱۳۸۱ در تهران به دنیا آمده است. او در حال حاضر در پایه دوازدهم رشته پویانمایی هنرستان نمونه دولتی حضرت مریم«س» به تحصیل مشغول است. نرگس از دوران ابتدایی‌اش به فعالیت‌های فرهنگی و هنری مثل روزنامه دیواری، نقاشی و ... علاقه داشته و در مسابقات مدرسه‌اش شرکت می‌کرده است. این علاقه باعث شد در دورهٔ دوم متوسطه رشته پویانمایی را انتخاب نماید و از این طریق به جمع دانش‌آموزان فیلم‌ساز بپیوندد.

جوان اولین حرف نرگس رفاهی به خوانندگان مجلهٔ رشد جوان چیست؟

برای رسیدن به آنچه که توی ذهن‌تان هست، تلاش کنید. چون شما توانایی و لیاقتش را دارید و برای این کار ساخته شده‌اید.

جوان از کی فهمیدی که باید در رشتهٔ هنر تحصیلت را ادامه بدهی؟

زمانی که در کلاس نهم درس می خواندم، به بازدید از نمایشگاه «هنرستان حضرت مریم(س)» رفتم و در آنجا با رشته‌های هنری آشنا شدم. بعد به هنر علاقهٔ بیشتری پیدا کردم و تصمیم گرفتم، در این هنرستان ثبت‌نام کنم.

جوان چطور شد که سر از فیلم‌سازی درآوردی؟

در آن بازدید من تازه متوجه شدم که رشته‌ای به نام «پویانمایی» وجود دارد. وقتی با هنرجوهای پویانمایی صحبت کردم و کارهایشان را دیدم، جذب این رشته شدم.

جوان تا حالا چند فیلم ساخته‌ای؟

فکر می‌کنم ده فیلم. چون ما برای مدرسه هر هفته باید یک پویانمایی می‌ساختیم و همین طور آخر هر پودمان هم باید یک پویانمایی خوب به استاد تحویل می‌دادیم.

جوان مشوق اصلی شما در ساخت فیلم چه کسی و یا چه کسانی بودند؟

مشوق اصلی من خانواده‌ام بودند و در نهایت خودم، چون خیلی به این رشته علاقه داشتم و همیشه سعی می‌کردم در آن پیشرفت کنم.

جوان غیر از هنرستان در جای دیگری هم آموزش فیلم‌سازی دیده ای؟

در کلاس های آموزشی خارج از مدرسه خیر، شرکت نکردم. ولی در سه سال هنرستان آموزش‌های اولیه را طی کردم. تلاش خیلی زیادی داشتم، تحصیل و تمرین‌های بسیاری را زیر نظر معلمان هنرستان انجام دادم و بیشتر از قبل با این رشته آشنا شدم.

جوان چگونه با جشنوارهٔ بین‌المللی فیلم رشد آشنا شدی؟

در پایه یازدهم، وقتی در جشنوارهٔ فرهنگی هنری رتبهٔ اول را در کشور کسب کردم، داوران به من و دوستم که با هم این فیلم را ساخته بودیم اطلاع دادند، با توجه به کار خوب‌تان می‌توانید در «جشنوارهٔ بین‌المللی فیلم رشد» هم شرکت کنید. من هم فیلم «قوانین وسواسی‌ها» را برای بخش دانش‌آموزی این جشنواره ارسال کردم.

جوان چه شد که فیلم قوانین وسواسی‌ها را ساختی؟

من و دوستم به دنبال موضوعی خاص و جدید بودیم و اینکه بتوانیم آن را در قالب طنز نیز بیان کنیم. بعد از مدتی بررسی و هم‌فکری به موضوع آدم‌های وسواسی رسیدیم. در نهایت با تکنیک «استاپ موشن» ایده‌هایمان را اجرا کردیم.

جوان خودت هم وسواسی هستی؟

خیر، نیستم.

جوان نظرت در مورد آدم‌های وسواسی چیست؟

خب وسواس هم نوعی بیماری است، ولی متأسفانه گاهی در جامعه به آن به عنوان یک خصیصهٔ

اخلاقی نگاه می‌کنند. نباید به آدم‌های مبتلا به این بیماری خرده گرفت. البته چنین افرادی می‌توانند زیر نظر روان‌پزشک و روان‌شناس متخصص و با همکاری خودشان بهبود یابند.

جوان برای تولید فیلم قوانین وسواسی‌ها، هم از نظر مالی و هم از نظر وقت و زمان، چقدر هزینه کردی؟

از نظر مالی حدود ۴۰۰ هزارتومان هزینه کردیم. البته به علاوهٔ کلی لوازم و وسایل که در منزل‌مان موجود بود و در آن زمان پولی بابتشان پرداخت نکردیم؛ از قبیل محل انجام کارها، میز کار، وسایل نورپردازی و سایر اقلام. از نظر زمانی هم برای ما یک سال طول کشید؛ چون هم اولین کار استاپ موشن ما بود و هم درگیر مدرسه و امتحان و کارهای عملی دیگر بودیم. ولی خب اگر تمام وقتمان را صرف ساخت آن می‌کردیم، شاید شش ماه بیشتر طول نمی‌کشید.

جوان به نظرت، با توجه به اینکه فیلم های برگزیده جشنوارهٔ رشد مثل فیلم شما، در کل مدرسه‌های کشور اکران می‌شوند، این فیلم‌ها باید چه ویژگی‌هایی داشته باشند؟

باید آموزنده باشند تا دانش‌آموزان بتوانند پیام یا تأثیر خوبی از آنها دریافت کنند. حتی فیلم‌سازان بزرگ‌سال هم می‌توانند در صورت امکان فیلم‌های خود را متناسب با ردهٔ سنی دانش‌آموزان بسازند تا معلم ها در کلاس درس برای آنها پخش کنند.

جوان به نظرت تماشای فیلم می‌تواند در سرنوشت آدم‌ها تأثیر مثبت داشته باشد؟

بله قطعاً. چرا که فیلم و پویانمایی و هر رسانهٔ تصویری دیگری به نظر من اثر بسیار زیادی روی آدم‌ها دارد. خب برای مثال، زمانی که فیلمی اشتباهات رایج میان مردم را در قالب طنز و با لحنی دوستانه و نه کوبنده! بیان کند و نتایج آن رفتار را به مردم نشان دهد، قطعاً مردم آن را می‌پذیرند و می‌کوشند که آن اشتباهات را از خود دور کنند.

جوان کدام یک از معلم‌های دوران مدرسه‌ات را هنوز دوست داری؟ به چه دلیل؟

من همهٔ معلمان دوران مدرسه‌ام را دوست دارم و از آنها تشکر می‌کنم. ولی خب اگر بخواهم یکی از آنها را نام ببرم، می‌توانم بگویم خانم محبوبه کریمی‌نژاد، دبیر ساخت استاپ موشن. چون ایشان صادقانه اطلاعات بسیاری در مورد پویانمایی به ما دادند و خوش‌رو و خوش‌اخلاق بودند. در ضمن، دبیر مربوط به پویانمایی قوانین وسواسی‌ها هم ایشان بودند که کمک‌های زیادی در ساخت آن به ما کردند.

جوان باز هم قرار است فیلم بسازی؟

بله، قطعاً.

از جمله موفقیت‌های او می‌توان به این موارد اشاره نمود:

- رتبه اول استان در مسابقات نقاشی با آب مرکب در کلاس یازدهم
- رتبه اول کشوری در رشته پویانمایی با فیلم «قوانین وسواسی‌ها»
- راه‌یابی به بخش مسابقهٔ دانش‌آموزان چهل و نهمین جشنواره بین‌المللی فیلم رشد
- کسب دیپلم افتخار و جایزهٔ رتبه سوم از چهل و نهمین جشنواره بین‌المللی فیلم رشد

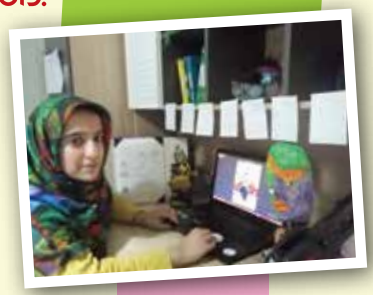

جوان با چه موضوعی؟

خودم بیشتر به گونهٔ (ژانر) کمدی علاقه دارم؛ چیزی که بتواند روی لب های مردم خنده بیاورد. البته ممکن است در حیطهٔ کمدی - اجتماعی باشد که بتواند علاوه بر طنزبودن، پیامی مؤثر را به مخاطبان القا کند.

جوان نرگس رفاهی با شنیدن این کلمه‌ها یاد چه می‌افتد؟

کرونا: نابودگر انسان‌ها، بخشندهٔ زندگی به طبیعت، و رهایی طبیعت از انسان‌ها.

دوربین عکاسی: خالق فیلم و پویانمایی.

کنکور: کوهی که از دور فتح آن دشوار به نظر می‌رسد.

جوان دوست داری در آینده چه کاره بشوی؟

به امید خدا یک کارگردان حرفه‌ای.

جوان اگر اوقات فراغتی داشته باشی کدام گزینه را انتخاب می‌کنی؟

الف) تماشای فیلم ب) مطالعهٔ کتاب ج) ورزش د) بودن در کنار خانواده

من تماشای فیلم را انتخاب می‌کنم؛ مخصوصاً فیلم‌های پویانمایی تا بتوانم با دیدن آن‌ها ایده‌های جدیدی را در ذهنم پرورش بدهم و با تحلیل‌شان مطالب ارزشمندی به اطلاعاتم اضافه کنم.

جوان مهمترین آرزوی نرگس رفاهی چیست؟

مهمترین آرزوی من این است که با هنرم و فیلم‌هایی که قرار است در آینده بسازم، بتوانم حداقل تعداد کمی از انسان‌ها را تحت تأثیر قرار بدهم و آنها را حتی شده برای چند ثانیه، از دغدغه‌ها و مشکلاتشان دور کنم تا از زندگی لذت ببرند.

جوان الان دوست داری از چه کسانی تشکر کنی؟

اول از همه خدا را شکر می‌کنم که در همهٔ مراحل زندگی به من کمک کرده و مرا تنها نگذاشته است. بعد از خانواده‌ام تشکر می‌کنم که همیشه در کارها مرا همراهی کرده‌اند. در آخر هم از دوست عزیزم، پریسا محسنی متشکرم که این پویانمایی را با هم ساختیم.

جوان و آخرین حرف نرگس رفاهی برای دانش‌آموزانی که دوست دارند فیلم بسازند، چیست؟

فکر می‌کنم بزرگترین تجربه‌ای که در این زمینه کسب کرده‌ام و دوست دارم به اشتراک بگذارم، این است که نباید از شکست در کارها بترسیم. مثلاً اگر کارمان در جشنواره‌ای رتبه نیاورد، نباید از خودمان و استعدادمان ناامید شویم و انگیزه‌هایمان را از دست بدهیم. بلکه باید تلاشمان را بیشتر کنیم و با تمام انرژی به راه‌مان ادامه بدهیم.

جوان موفق باشی.

به صحرا شدم، عشق باریده بود

نسرین بیژنی

شاید برای بسیاری از رفتارهای عاشقانه نتوان دلیل عقلی و توجیه منطقی پیدا کرد، اما عاشق برای آنچه می‌کند نه دلیلی می‌آورد و نه از کسی دلیل می‌خواهد. عشق مادر به فرزند نمونه ای است که در دسترس همگان است. عشق‌های دیگری مانند عشق مجنون به لیلی و فرهاد به شیرین که دستمایه سرودن صدها منظومه عاشقانه درجه اول در ادبیات جهان شده‌اند، جلوه دیگری از عشق است.

در اینجا هم چه بسیار رفتارها دیده می شود که جز عشق هیچ تفسیری ندارد. جمعیت مردم هیچ وقت قطع نمی‌شود. هرچه به جلو نگاه می‌کنم مردم می‌بینم، مردمی در حال حرکت که آهسته و پیوسته، پیاده، قدم برمی‌دارند. این جمعیت گویی رودخانه ای است که شب و روز جریان دارد و تو قطره‌ای از آن رودخانه‌ای. در این اجتماع بسیار بسیار بزرگ کسی به کسی پرخاش نمی‌کند و کسی با کسی درگیری ندارد. مردم صدا دارند اما غوغا و هیاهو ندارند، زمزمه دارند اما همهمه ندارند. حرکتشان درست مانند عبور یك رودخانه است با قطره‌هایی به هم پیوسته که آرام و پیوسته به هم، می‌لغزند و می‌روند.

در این مسیر، در تمامی جاده هشتاد کیلومتری، ایستگاه‌هایی ساخته‌اند. با تقریب نود و نه درصد می‌توان گفت دیگر جایی خالی باقی نمانده است. هر کس به قدر همت خود ایستگاه ساخته است.

به **علی سلیمانی** بازیگر تئاتر، سینما و تلویزیون برمی‌خورم که ماجرای جالبی را نقل می‌کند: "سال نود و دو بود که برای دومین بار به این راهپیمایی می‌رفتم. تجربه‌ای از این سفر داشتم و می‌دانستم که چه جمعیتی گرد هم خواهد آمد. پیش از سفر، با قدری شیطنت، در فیس بوك وبگاه The Long Walk (وبگاهی که خاص اطلاع رسانی درباره پیاده‌روی‌های طولانی است و در سراسر جهان هر کجا پیاده‌روی طولانی واقع شود در آن اطلاع‌رسانی می‌شود و شاید در آن سال حدود دو میلیون نفر عضو و مخاطب داشت) پیامی دادم به این مضمون: هر کسی تمایل دارد به یك پیاده‌روی طولانی جدید بیاید، فلان تاریخ بیاید به فلان خیابان در شهر نجف عراق. جمعی که مسلمان نبودند از سراسر جهان گفتند که حاضرند و به پیاده‌روی می‌آیند. تصور کردم همان طور که من شیطنت کرده‌ام آنها هم از سر شوخی اعلام آمادگی کرده‌اند و قطعا کسی نخواهد آمد.

موعدش که رسید با خود گفتم نکند کسی جدی گرفته باشد و به آن خیابان رفتم. شگفت زده شدم! دیدم آنها آمده‌اند. مبهوت بودند از موجی که از مردم در حال پیاده‌روی ایجاد شده است. هر شانزده نفر (هفت نفر خانم و نه نفر آقا) حیران بودند که این جمعیت کجا می رود؟ برایشان به دشواری و با ایما و اشاره تا جایی که می‌توانستم توضیح دادم که امام حسین (ع) که بوده و هزار و چهار صد سال پیش چه اتفاقی رخ داده است.

از شنیدن وقایع کربلا و زندگی امام حسین (ع) گریه می‌کردند. به من گفتند تو دیگر برو. ما تازه اینجا کار داریم.

و در موجی از مردم، راهی شدند به سوی کربلا ...

آنچه در بالا خواندید، مختصری بود از گزارش راه پیمایی اربعین به قلم غلامعلی حداد عادل. دکتر حداد این کتاب را به برادرشان، شهید مجید حداد عادل تقدیم کرده و با قلمی شیوا از زوایای مختلف به بررسی رویداد پیاده‌روی اربعین پرداخته و به قول خودش از عرض و طول و عمق این رودخانه بزرگ انسانی سخن گفته است. این گزارش در ۱۰۴ صفحه توسط دفتر نشر فرهنگ اسلامی به چاپ رسیده است.

ادیب جوان

بخش شعر زیر نظر: سعیده موسوی‌زاده

عملیات پاکسازی

۱.بابک خوابگاه را گذاشته بود روی سرش .... خیلی وقت می‌شد که به حمام رفته بود و هرچه دانشجوی‌های دیگر اصرار می‌کردند که حمام را بی‌خیال شود و بیرون بیاید و نوبت را به آن‌ها هم بدهد، به حرفشان اهمیتی نمی‌داد. او در حالی‌که شیر حمام را تا ته باز کرده بود، فریاد می‌کشید:

ـ چیه؟ می‌خواید دست از دین خدا بردارم؟ مگه شوخیه؟ لباس و شلوارم خونی شده! می‌فهمید؟ خونی! اون هم نه خون پشه که بشه بی‌خیالش شد، خون انسان! حاضرم در راه آب‌کشی لباس‌هام، مشروط بشم و از دانشگاه اخراج، اما رسالت آب‌کشی لباس‌هام رو تا انتها دنبال کنم!!

اوضاع بدطوری خراب شده بود. کم‌کم نزدیک بود پای رئیس خوابگاه هم به ماجرا باز شود. امیر بی‌خبر از همه‌جا، خسته و گرسنه به خوابگاه رسید. حسابی نگران بابک بود. صبح زود وقتی از خواب بیدار شده بود، او را در جایش ندیده بود و با خودش فکر کرده بود که لابد زودتر از همیشه راهی دانشگاه شده است؛ اما توی دانشگاه هم خبری از بابک نبود. تلفنش را هم جواب نمی‌داد. شلوغی جلوی حمام خوابگاه، توجه امیر را جلب کرد. بیشتر دقت کرد. خودش بود! صدای فریادهای بابک می‌آمد! جلوتر رفت و از یکی دو نفر موضوع را جویا شد. وقتی قصه را فهمید تقریباً نزدیک بود سکته کند!

امیر به سرعت دوید و خودش را به پشت در حمام رساند. بابک حسابی جوگیر شده بود و نطق مفصلی را در مورد اعتقاد به آب و آب‌کشی ایراد می‌کرد! امیر فریاد زد:

ـ بابک، منم امیر! معلومه داری چه‌کار می‌کنی؟ این همه وقت توی حمام موندی که چی؟

بابک صدای امیر را شناخت و جواب داد:

ـ خوب شد اومدی امیر جون! به کمکت نیاز داشتم. این دانشجوهای خیره‌سر رو از اینجا دور کن تا من بتونم با خیال راحت دینم رو حفظ کنم!!

ـ این چرت‌وپرت‌ها چیه داری می‌گی بابک؟! برای حفظ دینت چند ساعته رفتی توی حمام به آب و آب‌کشی؟

بابک نعره کشید:

ـ ای خدا! ای خدا! می‌دونستم تو هم رفیق نیمه‌راهی امیر!! می‌دونستم تو هم آخرش دین خدا رو می‌ذاری کنار!!

ـ آخه من نمی‌فهمم! این حرفایی که داری می‌زنی چه ربطی به دین خدا داره؟

ـ آقا جان، مگه شلوار و پیراهن من از خون دستم نجس نشده بود؟

ـ خوب شده بود، حالا که چی؟

ـ مگه خون انسان نجس نیست؟

ـ چرا هست؟

ـ مگه نباید لباس نجس رو آب کشید تا پاک بشه؟

ـ چرا این هم درسته.

ـ خب پس رهایم کنید تا با درد خود بمیرم!!

ـ من که هنوز نفهمیدم تو داری چی می‌گی بابک جان. بیا بیرون! الان رئیس خوابگاه سر می‌رسه اوضاع ناجور می‌شه.

ـ من تا لباس‌هام رو آب نکشم و تا این مکان رو تطهیر نکنم، از اینجا تکون نمی‌خورم.

ـ بابک جان! آب کشیدن اون لباس‌ها پنج دقیقه بیشتر کار نداره، چطوری چند ساعته که توی حمامی؟

ـ یعنی چه؟ مگه می‌شه پنج دقیقه کار داشته باشه؟ اینجا همه چیز نجس شده؛ تازه بعد از آب‌کشی لباس‌هام، باید حمام رو هم آب بکشم؛ بعد هم نوبت آب‌کشی در و دیوار حمامه. لامپ حمام هم نجس شده! فقط موندم چطوری توی چاهک حمام رو آب بکشم. آخه اونم نجس شده!

امیر فریاد زد:

ـ مگه دیوانه شدی بابک؟! این حرفا چیه می‌زنی؟ من فکر می‌کنم تو کلاً موضوع پاک کردن نجاسات رو غلط فهمیدی. با ریختن این همه آب، به خدا داری اسراف می‌کنی. همین الان بیا بیرون، من بهت قول می‌دهم که موضوع رو دقیقاً برات توضیح بدم ...

ـ پس با این همه نجاسات چه کنم؟ لباس‌های خونی، در، دیوار، لامپ، چاهک، صابون، لیف، چوب‌لباسی ... بخار حمام هم نجس شده!!! راستی بخار حمام رو چطوری باید آب کشید؟!!!

ـ برادر من! لباس‌ها رو فعلاً بنداز توی تشت و با خودت بیار بیرون. وقتی مسئله رو توضیح دادم، می‌فهمی که چقدر راحت و ساده هست.

ـ شاید دروغ بگی!

ـ آخه تو تا به حال از من دروغ شنیدی؟

بالاخره با اصرارهای امیر، بابک رضایت داد که از حمام بیرون بیاید! او و امیر زیر نگاه سنگین سایرین به سوی اتاقشان حرکت کردند.

۲. امیر کتری را روی اجاق گذاشت تا چای را دم کند. بابک گوشه‌ای نشسته بود و پتویی دور خودش پیچیده بود و حسابی می‌لرزید. امیر نگاهی به او انداخت و گفت:

ـ خب مگه مجبوری پسر؟ برای آب کشیدن دو تا دونه لباس ببین چه قشقرقی به پا کردی!

ـ یعنی چه؟ یعنی دین نداشته باشم؟

ـ بابا! تو چرا هرچی می‌شه، زود ربطش می‌دی به بی‌دینی؟ مگر ما خدایی نکرده گفتیم بی‌دین باش؟ لباس نجس را باید آب‌کشی کرد؛ اما نه به روشی که شما انجام می‌دی. اصلاً دین اسم این روش شما رو می‌ذاره اسراف؛ اسراف هم از گناهان کبیره است.

ـ آقا من رفتم مسئلهٔ شرعی رو از همون جزوهٔ خودت دیدم و دقیقاً هم طبق همون عمل کردم.

ـ خب، پس یک بار برای منم توضیح بده تا بفهمم.

بابک بادی به غبغب انداخت و گفت:

ـ بسیار خوب توضیح می‌دم! البته بهتر بود خودت می‌رفتی مطالعه می‌کردی!

خوب نیست که دنبال لقمهٔ حاضر و آماده باشی!!

امیر سرش را تکان داد و گفت:

ـ چشم می‌رم مطالعه می‌کنم! حالا می‌شه نتیجهٔ مطالعاتتون رو بفرمایید؟

ـ ببین فرزندم!! یک چیزهایی داریم که به اون می‌گن «عین نجاست» مثل خون، ادرار، مدفوع و ...

ـ بله بابک جان! این‌ها را که خودم می‌دونم باقیش رو بگو!

ـ عجله نکن فرزند! عجله کار شیطان است!! حالا دقت کن تا یکی از احکام مهم رو در مورد نجاسات برات بگم.

ـ بفرمایید بابک خان!

ـ اگر عین نجاست یا چیز نجس، به جسم پاکی برخورد بکند و هر دو یا یکی از آن‌ها خیس باشد، جسم پاک نجس می‌شود. فهمیدی؟

ـ آفرین این هم درسته و مشکلی نداره؛ اما من هنوز ربط این حکم درست رو با چند ساعت موندن توی حمام نمی‌فهمم!

ـ تو می‌خوای نزد ما کسب فیض کنی یا می‌خوای لجبازی در بیاری؟

ـ خدا بگم چکارت کنه بابک! زود بگو قصه چیه! به خدا کلی کار دارم!!

ـ بسیار خب امیرآقا! حالا که جای من و شما عوض شده و شما داری از من درس می‌گیری (!!!)، بگو بدونم مهم‌ترین پاک‌کننده‌ی نجاست چیه؟

ـ خب معلومه، آب!

ـ آفرین امیر جان! پس من برای اینکه لباس‌های نجسم را پاک کنم باید از چی استفاده می‌کردم؟

ـ آب!

ـ خب منم همین‌کار رو کردم دیگه!

ـ بله! اما نگفتی چرا چندین ساعت کشش دادی؟

ـ آهان! این قسمتش چند تا نکتهٔ فنی داره امیر جان! من توضیح می‌دم و تو سعی کن بفهمی!

ـ چشم!

ـ آبی داریم به نام «آب قلیل» که معمولاً در دفع نجاست‌ها از اون استفاده می‌شه. خاصیت این نوع آب این هست که به محض برخورد با هر چیز نجس، نجس می‌شه. حالا داستان از این قرار بود که من صبح زود ساعت هفت، رفتم حمام خوابگاه تا لباس‌های خونی خودم رو آب‌کشی کنم. شیر آب رو باز کردم و شلوار خونی رو زیر آب قلیل گرفتم!! بعد یک دفعه همین حکم شرعی رو که به تو آموزش دادم به یاد آوردم؛ اما دیگه خیلی دیر شده بود چون آب قلیل شیر، به شلوار خونی خورده بود و نجس شده بود. آب نجس روی زمین ریخت و زمین هم نجس شد! خواستم خودم رو بندازم کف حمام و مثل یک سد عمل کنم (!!!) تا از نفوذ نجاست به بقیهٔ جاهای اون جلوگیری بشه؛ اما پام رفت روی صابونی که اون جا ول شده بود و با مخ رفتم کف حمام!

ـ عجب! خب بعدش؟!

ـ هیچی! آب قلیل موذی، بازی درآورد و پرید اون طرف حمام رو هم نجس کرد! صابونی هم که آب قلیل به اون خورده بود، نجس شده بود! صابون از زیر پای من در رفت و خورد به دیوار حمام و از اونجا هم رفت و با شامپو و لیف من روبوسی کرد!! پس هم دیوار نجس شد، هم شامپو و هم لیف!! بعد آبی که روی صابون نجس بود، در برخورد با لیف، از اون جدا شد و پاشید روی لامپ! پس در اینجا لامپ هم نجس شد! من سعی کردم انگشت شست پام رو فرو کنم توی چاهک حمام تا آب قلیل نجس، حداقل چاه رو نجس نکنه!! اما انگشتم بزرگ بود و توی چاهک نرفت! در این هنگام ملاحظه کردم که بخاری در حمام موج می‌زنه! فهمیدم که ای داد بیداد، بخار حمام هم که لابد از تبخیر آب قلیل هست، نجس شده!! نفسم رو حبس کردم تا بخار نجس را استشمام نکنم! یکی دو دقیقه هم موفق عمل کردم؛ اما داشتم خفه می‌شدم!! این بود که مجبور شدم بخار آب نجس رو تنفس کنم! بخار وارد ریه‌هام شد و اون‌ها رو هم نجس کرد!!

ـ بابک تو حالت خوبه؟

ـ بله که خوبم! بگذار باقیش رو بگم تا بفهمی که برای حفظ پاکی چه جان‌فشانی‌ها کردم! ... حالا علاوه بر اینکه باید کاشی به کاشی حمام رو آب می‌کشیدم، لازم بود تا درون بدن خودم رو هم که بر اثر استشمام بخار آب نجس شده بود، آب‌کشی کنم! در این وقت بود که آب حمام قطع شد. من هم مجبور شدم بخوابم و سه بار از کف حمام آب بخورم تا درون بدنم آب‌کشی و پاک بشه!!!

ـ دیگه داری حوصلهٔ من رو سر می‌بری، بابک!

ـ ... بعد با خودم فکر کردم این بخار حتماً به بیرون هم سرایت کرده و به بچه‌های پشت در حمام هم رسیده! تازه پروژهٔ بعدی این بود که بعد از اومدن آب، اون‌ها رو هم آب‌کشی کنم وگرنه مدیونشون می‌شدم!! حالا تنها نگرانی من اینه که بخار نجس به ساختمان خوابگاه هم رسیده باشه! اون رو باید چطوری آب بکشیم؟! خیلی سخته!!

امیر که حسابی حوصله‌اش از اراجیف بابک سر رفته بود، فریاد زد:

ـ کافیه دیگه بابک! این چرت‌وپرت‌ها چیه داری پشت سر هم می‌گی؟

ـ هیچ هم چرت‌وپرت نیست! عین حقیقت و عمل به دستورات شرعیه!

ـ آخه مرد حسابی اگر قرار بود همه مثل تو چیزهای نجس رو آب بکشن که خانه‌خراب می‌شدیم!!

ـ بله که می‌شدیم! عمل به دین خدا مَرد می‌خواد امیرآقا!

ـ یعنی همهٔ این اتفاقات و به قول شما نجس‌کاری‌ها وقتی رخ داد که آب شیر حمام با شلوار نجس جنابعالی برخورد کرد، بله؟

ـ بله، کاملاً درسته!

ـ گفتی آب شیر حمام چه نوع آبی هست؟

ـ «آب قلیل» دیگه!

ـ اون‌وقت تعریف آب قلیل رو هم می‌شه بفرمایید؟

ـ آب قلیل؟ آب قلیل چیزه ... آب قلیل به آبی گفته می‌شه که یک حالت قلیل داشته باشه!!!

ـ برادر من! شما که فرق بین «آب قلیل» و «آب کر» و «آب جاری» رو نمی‌دونی، برای چی بی‌خودی اظهار نظر می‌کنی و آب و آب‌کشی الکی راه میندازی؟!

ـ آب کر و آب جاری دیگه چیه؟

ـ به آب‌هایی مانند آب لوله‌کشی یا همون آب شیر، آب دریا و آب رودخانه، «آب جاری» و به آب استخر و آب حوض‌هایی که اضلاع اون‌ها بزرگ‌تر از سه‌ونیم وجب یعنی حدود هفتاد سانتی‌متر باشه، «آب کر» گفته می‌شه.

ـ خب حالا چه فرقی می‌کنه؟! فرض کن اسم آب شیر حمام عوض آب قلیل، بشه آب کر. در اصل قصه که فرقی نمی‌کنه.

ـ اتفاقاً خیلی خیلی فرق می‌کنه! طبق حکم شرع، ویژگی آب‌های کر و جاری این هست که در برخورد با هر چیز نجس، اگر رنگ یا بو یا مزه اون‌ها عوض نشه، نجس نمی‌شن!

ـ نه بابا؟!! یعنی چند ساعت تلاش من در راه پاکسازی بیخودی بوده؟

ـ تلاش در راه پاکسازی هرگز بی‌خودی نیست؛ مشکل اینه که تلاش تو در جهت اسراف و ندونم‌کاری بوده نه در جهت پاکی!!! چند ساعت توی حمام آب ریختی، اگر می‌گذاشتم به حال خودت بمونی، لابد الان داشتی کلهٔ رئیس خوابگاه رو آب می‌کشیدی؛ چون بخار آب به او هم رسیده بود!!

ـ بعید هم نیست!! چون بخار از حمام بیرون زده بود!!

ـ بسیار خب! حالا اگر مقدار آبی کمتر از آب کر باشه، اسمش می‌شه آب قلیل. خصوصیت آب قلیل هم همون‌طور که خودت گفتی این هست که به محض برخورد با هر چیز نجسی، نجس می‌شه. حالا می‌تونی برای آب قلیل چند تا مثال بزنی؟

ـ بله که می‌تونم! با این تعریف که تو کردی، آب قلیل می‌شه مثل آبی که توی درِ نوشابه جمع می‌شه یا مثلاً توی چاله‌چوله‌های آسفالت خیابان. یا در چشم کبوتری که هراسان باشد و بگریزد از دام صیاد!!!

ـ یعنی دیگه برای مثال زدن هیچی پیدا نمی‌شد که این

چرت‌وپرت‌ها رو گفتی؟

ـ این‌ها آب قلیله دیگه!!

ـ عزیز من! آب قلیلی که مد نظر ماست، مثالش این‌ها نیست. مثالش می‌شه آب آفتابه یا مثلاً آب لیوان یا پارچ یا حوضی که ابعادش کوچک‌تر از اون چیزی باشه که بهت گفتم. البته آب چاله‌چوله‌های کف خیابونو خوب گفتی. اگر قرار باشه مثلاً لباس یا چیز نجسی رو با آب کر آب‌کشی کنی، یک روش داره و اگر بخوای با آب قلیل این کار رو بکنی، روش دیگه. پس آب شیر حمام، آب کر بوده و در برخورد با شلوار خونی جنابعالی، نجس نشده.

ـ تو گفتی آب شیر حمام، آب کر هست؛ پس اول روش آبکشی با آب کر رو بفرما؛ اما دقت کن که اشتباه نکنی چون خودت هم می‌دونی که من مطالعات گسترده‌ای در این زمینه دارم و اگر جایی رو اشتباه بگی مچتو می‌گیرم!!

ـ بله! می‌دونم! از چند ساعت موندنت توی حمام کاملاً معلومه!! به هر حال برای پاک کردن چیز نجس با آب کر، اول باید عین نجاست رو برطرف کنی. مثلاً فرض کن قاشقی به خون آلوده و نجس شده. در این حالت باید لکه‌ی خون رو از روی قاشق کاملاً پاک کنی. بعد یک بار قسمت نجس رو زیر شیر آب می‌گیری یا اون رو داخل آب استخر، رودخانه یا حوض فرو می‌بری. همین و تمام.

ـ یعنی چه؟ یعنی چلوندن نمی‌خواد؟

ـ آخه قاشق رو می‌شه چلوند؟

ـ من چه می‌دونم!

ـ پس صبر کن تا کامل برات توضیح بدم. این در مورد آب کر بود. حالا می‌رسیم به آب قلیل. برای آب‌کشی چیزی با آب قلیل، مثل روش قبل، اول عین نجاست رو از روی اون پاک می‌کنی، بعد اگر اون چیز با ادرار نجس شده باشه دو بار و اگر با غیر ادرار نجس شده باشه یک بار آب می‌ریزی تا پاک بشه. تمام شد رفت پی کارش. به همین سادگی. دیگه ادابازی و وسواس هم نداره که نمی‌دونم این پاشید روی اون و اون پرید خورد توی دیوار و از دیوار کمانه کرد به سمت در و بخار رفت تا دفتر رئیس خوابگاه! به این حساب بخوای پیش بری باید کل کرهٔ زمین رو آب‌کشی کنی!

ـ این‌که خیلی راحته! من تا حالا فکر می‌کردم برای آب‌کشی درست لباس باید اون رو بچلونی!

ـ بله درسته! لباس یا هر چیز دیگه‌ای که آب توی اون نفوذ می‌کنه مثل حوله، فرش و .... اگر نجس بشه، فقط با ریختن آب یا فروکردن در آب پاک نمی‌شه.

ـ بفرما! نگفتم پای چلوندن هم در میانه!!!

ـ روشش این‌طوری هست که باید پس از هر بار تماس این اجسام با آب، یک بار هم چلونده بشن تا آب از اون‌ها خارج بشه. خب حالا فرض کن لباسی داریم که با ادرار نجس شده، چطوری باید با آب قلیل اون رو آب بکشیم؟

ـ چه آب قلیلی؟ آب لیوان؟ پارچ؟ آفتابه؟ چالهٔ خیابان؟ چشم کبوتر؟

ـ از دست تو بابک! فرض کن آب یک بطری.

ـ خب لباس رو برمی‌داری و آب بطری رو روی آن خالی می‌کنی، بعد می‌ری سر خیابون منتظر می‌شی تا یک ماشین رد بشه. در موقع مناسب لباس رو میندازی زیر چرخ ماشین تا چلونده بشه و آب از اون خارج بشه!! بعد لباس رو برمی‌داری میای یک بار دیگه با آب جاری آب می‌کشی و باز می‌ری سر خیابون! بعد ...

ـ تو چرت‌وپرت نگی می‌میری بابک؟! اول از همه عین نجاست رو برطرف می‌کنی. بعد مقداری از آب بطری رو روی اون می‌ریزی و بعد لباس رو فشار می‌دی تا آبی که جذب کرده، خارج بشه. بعد یک بار دیگه هم عین همین کار رو انجام می‌دی تا لباس پاک بشه. یعنی دوباره آب می‌ریزی و پس از هر بار آب ریختن، لباس رو فشار می‌دی یا به قول تو می‌چلونی تا در نهایت پاک بشه.

ـ اگر بنا باشه با آب کر این کار رو انجام بدیم چی؟

ـ آهان! روش آب‌کشی با آب کر آسون‌تره. فرض کن بخوایم این لباس نجس رو زیر شیر آب، آبکشی کنیم. اول عین نجاست رو برطرف می‌کنیم، بعد یک بار اون رو زیر شیر آب می‌گیریم و بعد می‌چلونیم تا پاک بشه. اگر به جای شیر آب می‌خواستیم توی رودخانه یا توی هر نوع آب کر دیگه هم لباس رو آب بکشیم، دقیقاً باید همین کار رو می‌کردیم.

ـ به همین راحتی؟

ـ به همین راحتی!

ـ من تا حالا فکر می‌کردم اگر بخوای لباس نجس رو توی رودخانه آب بکشی، باید لباس رو با خودت ببری کف رودخانه و ماساژ بدی تا پاک بشه!!

ـ این‌ها رو جدی می‌گی یا من رو دست انداختی بابک؟ در ضمن، ما چیزی به نام بخار نجس هم نداریم فهمیدی؟

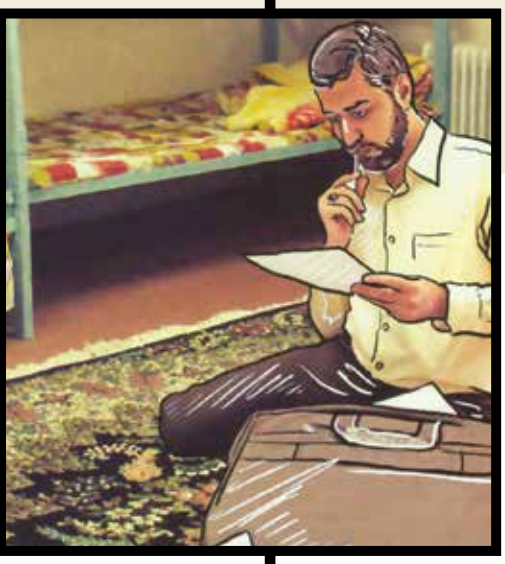

بابک به جای جواب، هوا را بو کشید و گفت:

ـ بوی نجس چی؟ بوی نجس هم نداریم؟

ـ بوی نجس یعنی چی؟

ـ بوی سوختنی نمیاد امیر جون؟

امیر محکم توی پیشانی‌اش زد و گفت:

ـ ای وای، دیدی چی شد؟ کتری سوخت! اصلاً یادم رفت می‌خواستم چای درست کنم!!

بابک لبخندی زد و گفت:

ـ احکام کتری سوخته رو هم بلدی؟

هر دو زدند زیر خنده و صدای خنده‌شان رفت تا دفتر رئیس خوابگاه که بی‌خبر از همهٔ آب‌های کر و قلیل، داشت برای خودش روزنامه می‌خواند و چای می‌نوشید ...

★★★

داستانی را که خواندید برگرفته از کتاب دو امتحان! نوشته آقای محمد علوی‌نهاد است که توسط انتشارات دلیل ما و مؤسسه فرهنگی رشد پویای نجات به چاپ رسیده است. برای خواندن داستان‌های جذاب بیشتر می‌توانید کتاب را تهیه و مطالعه کنید.

شلخته‌گویی ممنوع!

اسماعیل امینی

چند سطر سست و بی سر و ته را برایم فرستاده و پرسیده:

- نظرتان راجب این شعر چیست؟

به نظرم این نوشته اصلاً شعر نیست. پر است از غلط، همان طور که «راجب» غلط است و «راجع به» صحیح است.

- همه که مثل شما شاعر و معلم ادبیات نیستند که غلط و درست برایشان مهم باشد. به هر حال این شعر درد و دل مردم را گفته است.

گفتم که این نوشتهٔ پُر از غلط، شعر نیست. ضمناً "درد و دل" هم غلط است و "دردِ دل" صحیح است.

- برو بابا شما معلم‌های ادبیات هم فقط بلدید به غلط‌های دیگران گیر بدهید.

* * *

بسیارند کسانی که علاقه‌ای به مطالعه و کتاب ندارند، اما به اقتضای موقعیتِ اجتماعی، ناگزیرند که خود را دوستدارِ شعر نشان بدهند.شماری از این جماعت تحصیلاتِ عالی هم دارند؛ کارشناس و دکتر و مهندس و حتی مدرس دانشگاهی‌اند. اما در زمرهٔ همان‌هایی هستند که به جای «برخاستن» می‌نویسند: «برخواستن» و به جای «حافظ شیرازی» می‌نویسند: «حافظه شیرازی».

یعنی از سرِ زانوی نوشته‌هایشان معلوم است که چقدر با کتاب و مطالعه بیگانه‌اند.

این دوستدارانِ شعر انگار نمی‌دانند که شعر چیزی بیش از جمله‌های موزون و نیمه‌موزون است، و حرف‌های شاعرانه نیز چیزی بیش از آه و اندوهِ مصنوعی و تقلیدی است.

انگار نمی‌دانند که هر شعری که چند تا «جان من جانان من، یار من دلدار من، جان جهان من تویی» داشت، لزوماً شعر عرفانی نیست.

شعر گاهی خیلی ساده و صمیمی است؛ مانند این دوبیتی باباطاهر:

خوشا آنان که هِر از بِر ندونند
نه چیزی وانویسند و نه خونند
چو مجنون سر نهند اندر بیابان
در این کوها روند آهو چرونند

یا مثلِ این شعر از عمران صلاحی:

صب زود وقتی که باد
تو کوچه صداش می‌یاد
پا می‌شم فوری درو وا می‌کنم داد می‌زنم:
آی نسیم سحری
یه دلِ پاره دارم چن می‌خری؟

گاهی هم شعر زبان پیچیده‌ای دارد. اما هر چه هست، حرف‌های تکراری و سطحی و جمله‌های شلخته و پر از غلط، شعر نیست؛ هر چند به مذاقِ جماعتی پرشمار خوشایند باشد.

غلامرضا شکوهی

گل سبزپوش

شکست آینهٔ روشن پگاه مگر؟
نشست هالهٔ ماتم به گرد ماه مگر؟

گرفت در بغل او را و چون ستاره گریست
سپیده سر زد از آیینهٔ نگاه مگر؟

گذاشت پای به میدان به عزم سرخ جهاد
نداشت واهمه از آن همه سپاه مگر؟

چه زود مثل پرستو از آشیان برخاست
گذشت فصل نشستن به خیمه‌گاه مگر؟

بلندقامت خورشید را به مشت گرفت
که روز لشکر شب را کند سیاه مگر؟

به سوگ بدرقه چشم شرف به اشک نشست
نبود در دل تنگش به غیر آه مگر؟

کجاست سبزترین اشک؟ تا به دشتی داغ
بریزد آب بر این آتش گیاه مگر؟

نگاه تشنهٔ خورشید برق میدان گشت
فتاد ماه فلک بر حریم راه مگر؟

به غیر او که گل سبزپوش یاسین است
کسی رسیده به این آسمان جاه مگر؟

امین فرجی

حافظه

گیرم مرا به خاطر نیاوری
گذشتهٔ مشترکی را به آب داده
و همه چیز را فراموش کرده‌ای

چه اهمیت دارد؟
تو زیبایی
زیبا می‌خندی
و زیبا نگاه می‌کنی
همین کافی‌ست که تا ابد
درون چشم‌های من باشی

هیچ کس هیچ ماهی قرمزی را
برای حافظه‌اش
در تنگ بلور نگه نمی‌دارد.

Words are Birds

BY FRANCISCO X. ALARCÓN

words
are birds
that arrive
with books
and spring

for them
there are
no borders
only stars
moon and sun

some words
are familiar
like canaries
others are exotic
like the quetzal bird

some words
die caged
they're difficult
to translate

and others
build nests
have chicks
warm them
feed them

teach them
how to fly
and one day
they go away
in flocks

the letters
on this page
are the prints
they leave
by the sea

واژه‌ها پرنده‌اند

ترجمه: مهدی مرادی

واژه‌ها پرنده‌اند
که با بهار و کتاب‌ها
از راه می‌رسند.

برای واژه‌ها
مرزی وجود ندارد
جز ستارگان، ماه و خورشید!

بعضی از آن‌ها
آشنایند مانند قناری
بعضی‌ها عجیب‌اند؛ مثل درازدامنِ درخشان

بعضی از واژه‌ها
در قفس می‌میرند
ترجمهٔ این واژه‌ها دشوار است

بقیه
آشیان می‌سازند
جوجه می‌آورند
جوجه‌هایشان را گرم نگه می‌دارند
و به آن‌ها غذا می‌دهند.

به واژه‌هایت بیاموز
چگونه پرواز کنند
سرانجام یک روز
خواهی دید
که دسته‌دسته دور می‌شوند

حروفِ این صفحه
ردپاهایی است
که از آن‌ها
بر ساحلِ دریا مانده است.

محمدعلی بهمنی

طرح

تقدیم می‌کنم
نفسِ من برای تو
تقسیم می‌کنم
قفسِ تو برای من

ما باور جداشده از هم که نیستیم
همسایهٔ بهشت و جهنم که نیستیم
این فاصله که فاصلهٔ تا همیشه نیست
ما در دلِ همیم - غمِ سنگ و شیشه نیست

طراح من! مرا طرحی دگر بکش
طرحی که در خودت دارد اثر بکش
من سایهٔ توأم، تو سایهٔ منی
دور از همیم اگر، نزدیک‌تر بکش

طراح خویش باش
طراح خوب من
طرح سپیده تو
طرح غروب من

تصویرگر: مجید کاظمی

آهنگ واژه‌ها

محمدکاظم کاظمی

تصویرگر: محمدرضا اکبری

واج‌آرایی چیست؟

شما شاید در متون آموزشی‌تان دربارهٔ «واج‌آرایی» شنیده باشید. واج‌آرایی چیست؟ اینکه شاعر در شعرش یک صدا را چند بار تکرار می‌کند. مثلاً در شعر قدیم، مصراع «شب است و شاهد و شمع و شراب و شیرینی»، از سعدی، یک واج‌آرایی معروف است. در شعر امروز هم شاعران بسیار از این کارها کرده‌اند، از جمله مرحوم نصرالله مردانی در این بیت:

صدای سم سمند سپیده می‌آید
یلی که سینهٔ ظلمت دریده، می‌آید

این تکرار صوت‌ها گاهی به شکل تکرار یک حرف دیده می‌شود، گاهی به شکل تکرار یک مصوت، مثل «آ»، «او» و «ای». این دومی را در این مصراع حافظ می‌بینیم که می‌گوید: «من که شب‌ها ره تقوا زده‌ام با دف و چنگ.» حالا این مصراع را به این صورت بنویسیم تا متوجه شویم که جریان چیست:

من که شب‌ها
ره تقوا
زده‌ام با
دف و چنگ

این تکرارهای صوت‌ها در واقع بخشی از موسیقی داخلی شعر به حساب می‌آید و شعر را زیبا و جذاب می‌سازد.

با تکرار درست می‌شود؟

ولی خب قدری ساده‌اندیشی است اگر تصور کنیم که اثر این نوع موسیقی فقط با تکرار حرف احساس می‌شود. نباید تصور کرد که شاعر برای به کمال رساندن شعرش از این نظر، همیشه باید کلمات را بر مبنای صوتشان انتخاب کند. اگر این کار را بکند شبیه کسی خواهد بود که کتاب‌های کتابخانه‌اش را بر اساس رنگ کنار هم می‌چیند.

و طبیعتاً زیاده‌روی در این کار هم خوب نیست. نباید شاعر بگذارد کارش به اینجا بکشد که مثلاً بگوید:

ای صدای صاف تصنیف صدف
و ای عبور عاج در عصر علف
ای تو بر لالای لادن لب زده
ای تو بر شولای شبنم شب زده

اما شکل پنهان‌تر و قشنگ‌تر این واج‌آرایی این است که کلمات، ضمن اینکه معنی مورد نظر را ارائه می‌کنند، صداهایشان هم به شکلی با عاطفه و محتوای شعر تناسب داشته باشد. مثلاً نیما یوشیج در شعر «کار شب‌پا» در جایی می‌گوید: «هول غالب، همه چیزی مغلوب». دربارهٔ این شعر مرحوم اخوان ثالث حرف خوبی می‌زند. می‌گوید چون این شعر در فضای جنگلی و مرطوب شمال کشور رخ می‌دهد، کلمهٔ «هول» از نظر آوایی نیز با این فضا تناسب دارد. اخوان می‌گوید که شاعر می‌توانست در اینجا کلمه‌های «خوف» و «ترس» را هم به جای «هول» بیاورد، ولی «خوف» از نظر آوایی خشک و بیابانی به نظر می‌رسد و «ترس» سردی را القا می‌کند.

در واقع در این شعر نیما یوشیج، ما چیزی فراتر از واج‌آرایی را می‌بینیم؛ اینکه شاعر میان فضای عاطفی و تصویری شعرش و نیز حرف‌ها و صداهای کلمات هماهنگی ایجاد کرده است.

و موضوع دیگر اینکه: آیا رعایت این نکات برای ایجاد یک شعر خوب کافی است؟ نه، نمی‌توان گفت که کافی است، بلکه در شعر بسیار رموز و فنون هست که مجموعشان شعر را به کمال می‌رساند. به هر حال در شعر شاعران موفق این ظرایف را بیشتر می‌توان دید و همین، یکی از رموز موفقیت یک شعر است.

در ادامهٔ بحث، غزلی از زکریا اخلاقی می‌خوانیم که در آن، مصوت‌های «او» در حروف قافیه (سکوت، ملکوت و ...) و ردیف (پیش روست)، با معنی مصراع‌ها که در آن‌ها از «پیش روی» صحبت می‌شود، تناسب دارد.

نمونهٔ دیگر، بیت بیدل است. او در اینجا که از رفعت و بلندی حرف می‌زند، چند بار مصوت بلند «آ» را آورده که آن نیز القاکنندهٔ سمت بالاست.

به پستی‌های آهنگ طلب،
خفته است معراجی
نفس گر وا گدازد، تا مسیحا
می‌برد ما را

حالا سؤال این است که آیا شاعران این ظرایف را به عمد و با آگاهی رعایت کرده‌اند؟ ما مطمئن نیستیم. ممکن است شاعر بنا بر ذوق تربیت‌یافتهٔ هنری خویش، ناخودآگاه این کلمات را به این صورت کنار هم چیده باشد. یعنی در واقع یک ذوق و سلیقهٔ درونی او را وادار کرده باشد. ولی خوب این را هم باید پذیرفت که این ذوق و سلیقهٔ درونی فقط با مطالعهٔ شعر و ارتباط مستمر شاعر با کتاب و محافل و مجامع شعری پرورده می‌شود و رشد می‌کند.

و آیا این گونه ظرایف در همهٔ شعرها وجود دارند؟ نه. حتی ممکن است در مواردی برعکس باشد و شاعر تناسب میان اصوات، معانی و عواطف شعر را رعایت نکرده باشد. اتفاقاً همین چیزهاست که میان شعر عالی، شعر متوسط و شعر ضعیف فاصله می‌اندازد.

ما را خوش است سیر سکوتی که پیش روست
گشت‌وگذار در ملکوتی که پیش روست
بر گیسوی تغزّل ما شانه می‌کشد
شیدایی دو دستِ قنوتی که پیش روست
تجریدی از طراوت گل‌های مریم است
این سفرهٔ معطّر قوتی که پیش روست
بگذار با ترنّم مستانه بگذرد
این چند کوچه تا جبروتی که پیش روست
ما راهیان وادی سبز سلامتیم
آسوده‌ایم از برهوتی که پیش روست
وا می‌نهیم خستگی خاطرات را
در سایه‌سار خلوت توتی که پیش روست
تصنیفِ سیرِ سادهٔ یک شاخهٔ گل است
معراج‌نامهٔ ملکوتی که پیش روست
یارب مباد بی‌غزل عاشقی شبی
موسیقی بلند سکوتی که پیش روست

عکاس: اعظم لاریجانی

قلمستون

کبری بابایی

همراهان نازنین مجلهٔ «رشد جوان»، اگر به نویسندگی علاقه دارید و گاه و بی‌گاه کلمه‌ها را پشت سر هم ردیف می‌کنید، بدانید که کارشناسان مرکز بررسی آثار مشتاقانه منتظر دریافت شعرها، داستان‌ها و قطعه‌های ادبی شما هستند. اگر می‌خواهید نامه‌هایتان به دست کارشناسان مرکز بررسی آثار برسد، راحت‌ترین راه این است که آثارتان را به این نشانی رایانامه(ایمیل) کنید:

barresiasar@roshdmag.ir

یك راه دیگر هم ارسال نامه‌هایتان به نشانی: **تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شمارهٔ ۴ وزارت آموزش و پرورش (شهید سلیمی)، شمارهٔ ۲۶۶، صندوق پستی ۶۵۶۷- ۱۵۸۷۵ (مرکز بررسی آثار مجلات رشد)** است. یادتان نرود که در هر دو حالت نام و نام خانوادگی، سن، آدرس و تلفن خودتان را بنویسید. اگر سؤالی داشتید، می‌توانید با شمارهٔ **۸۸۳۰۵۷۷۲-۰۲۱** تماس بگیرید. منتظر شعرها و داستان‌های زیبای شما هستیم.

امتحان تاریخ

تو ای تاریخ جان‌فرسای شیرین
گرفتم من تکی از امتحانت
چه شب‌ها خواندم و من گریه کردم
شدم مجنون محبوس در کلاست
خشن بودی نخواستی من بخوابم
نشستم من به زور پای درسَت
چه کاری من کنم یا رب این بار
نداری تو وفایی در مرامت
ندارم ذره‌ای امید از تو
شدم عاصی دوباره از کلامت
مراقب‌ها نشستند رو به رویم
نوشتم چرت و پرت در امتحانت
تو خندیدی بر این حال نزارم
گرفتم من تکی از امتحانت

زینب قائمی‌منش، پایهٔ دوازدهم از مشهد

سرودن شعر طنز، چندان ساده نیست و لازم است ما، هم به ویژگی‌ها و عناصر شعر توجه کنیم و هم حواسمان به شیرینی طنز در اثر باشد.
زینب عزیز تلاش کرده است با جان‌بخشی به درس تاریخ، تخیل را وارد اثرش کند و تا حدود زیادی هم موفق بوده است. او خصلت‌هایی مثل بی‌وفایی، خشن‌بودن و ... را به درس تاریخ نسبت داده که ویژگی‌های انسانی هستند. همین نکته باعث شده است خیال مخاطب، تاریخ را در هیئت انسان یا یک موجود زنده تصور کند. اما این تخیل وقتی کامل‌تر می‌شد که از ویژگی‌های تاریخ بودن آن بیشتر استفاده می‌شد.
اگر در شعر از چند واقعهٔ تاریخی صحبت به میان می‌آمد، شعر از استحکام بیشتری برخوردار می‌شد. شاید بهتر بود شاعر خودش را در شعر به جای مجنون - که حضورش بیشتر بار عاطفی دارد - به شخصیت‌هایی تشبیه می‌کرد که در تاریخ معروف‌اند؛ شخصیت‌هایی مثل لطفعلی‌خان زند که ماجرایی تاریخی دارند. اغراق در این توصیف می‌تواند طنز را در شعر بیشتر کند.
در پایان باید گفت یکی از ابزارهای ایجاد طنز، اغراق است. اگر شاعر جوان ما بیشتر از اغراق در شعرش استفاده کند، آثار طنزآمیزتری را خلق خواهد کرد.

دانشمند جوان

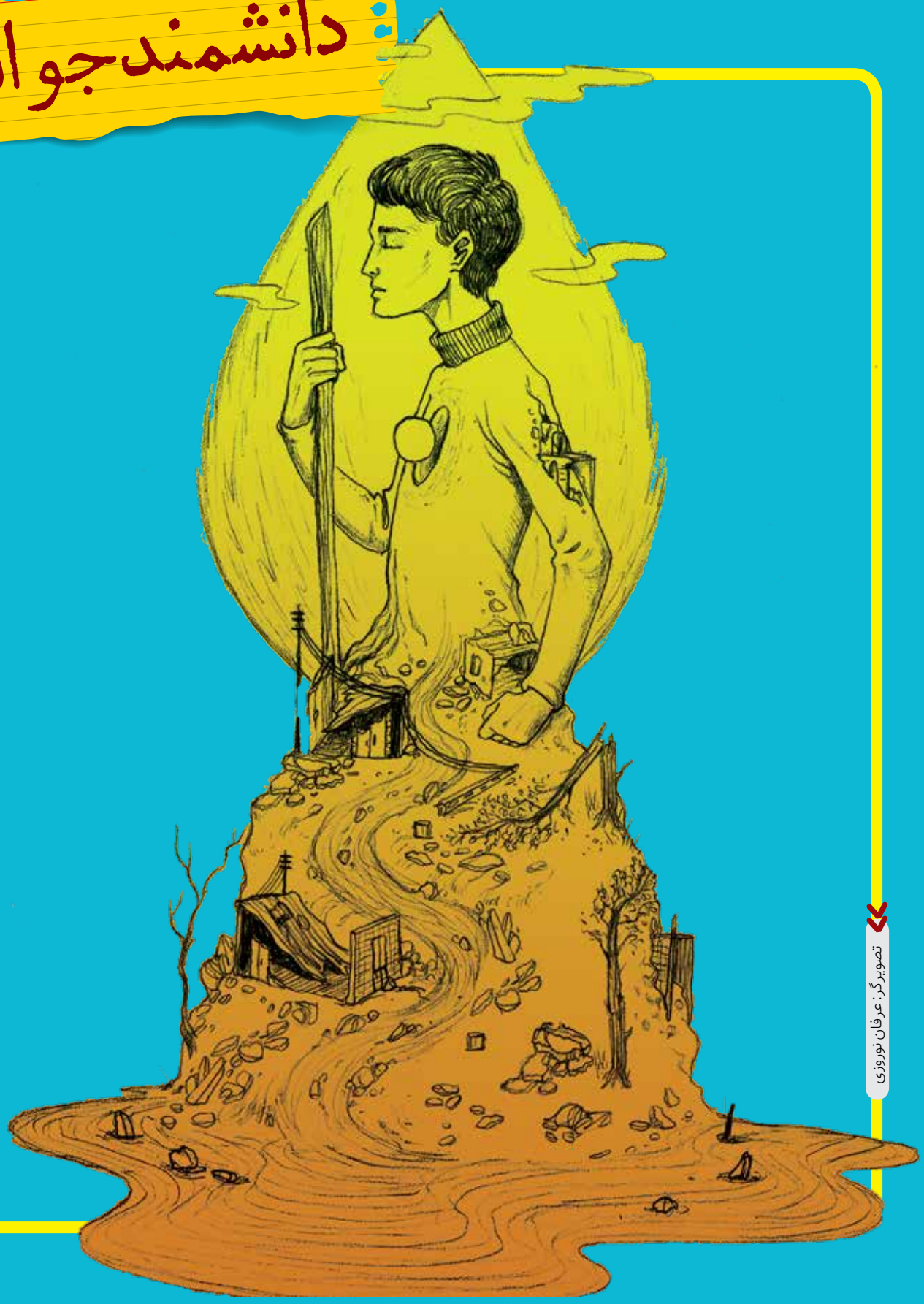

تصویرگر: عرفان نوروزی

خروشِ آب

ذوالفقار دانشی

از عوامل مهم شکل‌گیری سیلاب می‌توان به بارندگی شدید، طغیان آب رودخانه‌ها و دریاچه‌ها و امواج عظیم دریا اشاره کرد که ساحل را به زیر آب فرومی‌برند. چنین امواج عظیمی معمولاً بر اثر جزرومدهای شدیدی شکل می‌گیرند که با وزش بادهای سطحی قدرتمند یا زمین‌لرزه‌های بستر دریا پدید می‌آیند و از آنها به «سونامی» یاد می‌شود. با استفاده از سازه‌هایی مانند دیوار، بند، سد و خاک‌ریز می‌توان از وقوع سیلاب پیشگیری کرد.

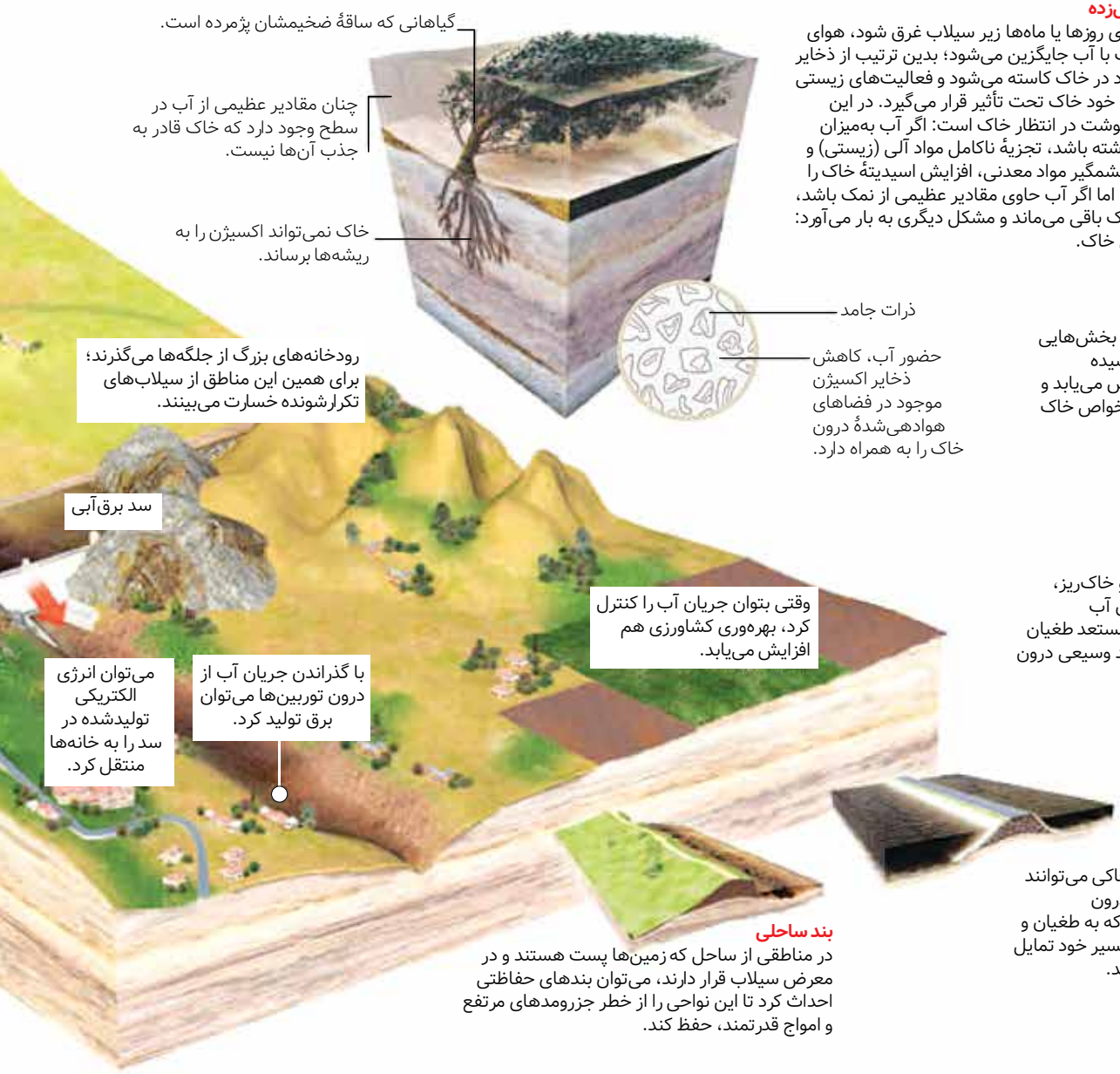

زمین‌های سیل‌زده

وقتی زمین برای روزها یا ماه‌ها زیر سیلاب غرق شود، هوای موجود در خاک با آب جایگزین می‌شود؛ بدین ترتیب از ذخایر اکسیژن موجود در خاک کاسته می‌شود و فعالیت‌های زیستی گیاهان و حتی خود خاک تحت تأثیر قرار می‌گیرد. در این حالت، دو سرنوشت در انتظار خاک است: اگر آب به‌میزان کافی نمک نداشته باشد، تجزیهٔ ناکامل مواد آلی (زیستی) و شسته‌شدن چشمگیر مواد معدنی، افزایش اسیدیتهٔ خاک را به همراه دارد؛ اما اگر آب حاوی مقادیر عظیمی از نمک باشد، نمک درون خاک باقی می‌ماند و مشکل دیگری به بار می‌آورد: افزایش شوری خاک.

کاهش

به‌دنبال سیل، بخش‌هایی از خاک که اکسیده شده‌اند، کاهش می‌یابد و بدین ترتیب، خواص خاک تغییر می‌کند.

مهار سیلاب

با احداث بند و خاک‌ریز، می‌توان جریان آب رودخانه‌های مستعد طغیان و سیل را تا حد وسیعی درون رود حفظ کرد.

خاک‌ریز

خاک‌ریزهای خاکی می‌توانند جریان آب را درون رودخانه‌هایی که به طغیان و تغییر موقت مسیر خود تمایل دارند، نگه دارند.

بند ساحلی

در مناطقی از ساحل که زمین‌ها پست هستند و در معرض سیلاب قرار دارند، می‌توان بندهای حفاظتی احداث کرد تا این نواحی را از خطر جزرومدهای مرتفع و امواج قدرتمند، حفظ کند.

باران‌های سیل‌آسا
چنین بارندگی‌های شدیدی حاصل سیستم‌های کم‌فشار، توده‌های هوای ناپایدار و رطوبت شدید است.

بارندگی سیل‌آسا
چنین بارش‌های شدیدی، سطح آب را در رودخانه‌ها و مسیر رود بالا می‌آورد.

برف روان‌آب را به درون رودخانه افزایش می‌دهد.

دشت سیلابی
دشت‌های سیلابی، نواحی مجاور رودخانه یا جریان آب هستند که مستعد شکل‌گیری سیلاب‌های تکرارشونده هستند.

مقادیر ناچیزی از آب به درون دامنه‌های شیب‌دار و پوشیده از درخت نفوذ می‌کند.

رودخانهٔ فرعی

رودخانهٔ اصلی

مناطق پایین‌دست و کم‌ارتفاع رودخانهٔ اصلی، گنجایش جریان افزایش‌یافتهٔ رودخانه‌های فرعی را ندارند.

۴،۰۰۰،۰۰۰
برآورد تعداد قربانیان مجموعهٔ سیل‌های عظیم سال ۱۹۳۱ (۱۳۱۰) در رودهای یانگ‌تسه و هوای چین که مرگ‌بارترین سیلاب تاریخ لقب گرفته است.

خانه‌ها و درخت‌ها با آب پوشیده می‌شوند.

مسیر طبیعی رودخانه

شبکه‌های پالاینده
از عبور اجسام ناخواسته به درون جریان آب گذرنده از توربین‌ها جلوگیری می‌کند.

سد
آب را انباشت می‌کند تا مسیر آن را منحرف کند یا شدت جریان را در ادامهٔ مسیر، تنظیم کند.

ترانسفورماتورها

ارتفاع آب ذخیره‌شده

ژنراتور برق
درون توربین، انرژی جنبشی آب به انرژی مکانیکی تبدیل می‌شود و ژنراتور، این انرژی مکانیکی را به انرژی الکتریکی تبدیل می‌کند.

خطوط انتقال برق

نیروگاه‌های برق‌آبی
این نیروگاه‌ها از نیرو و سرعت جریان آب برای چرخاندن توربین‌ها استفاده می‌کنند. دو نوع نیروگاه برق‌آبی وجود دارد: نیروگاه آب‌جاری که انرژی جنبشی طبیعی جریان رودخانه را مهار می‌کند و نیروگاه مخزنی که آب را پشت سد انباشت می‌کند و سپس جریان آب پرفشار را برای چرخاندن توربین‌ها آزاد می‌کند.

آموزش با طعم کرونا

زهرا فرنیا

در خیلی از صفحاتی که در این مجله می‌خوانید، حتما از کلمه‌ی کرونا استفاده شده یا به چیزی اشاره شده که به مفهوم کرونا ربط داشته باشد. این‌ها هم نباشد، خودتان همچنان دارید به کرونا و در خانه ماندن و این موضوع فکر می‌کنید چرا که کرونا بر همه‌چیز اثر گذاشت. کووید ۱۹بخش مهمی از زندگی ما را رقم زد اما اگر دانش‌آموزی‌تر بخواهیم بگوییم، کرونا یک چیز را بسیار تحت تاثیر خودش قرار داد و آن هم آموزش است. بعد از مدت‌ها پشت میز و نیمکت نشستن و گچ تخته سیاه و گرد ماژیک وایت‌بورد خوردن، تجربهٔ جدیدی در درس خواندن داشتید. تجربهٔ جدید آموزش غیرحضوری یا به‌عبارتی مجازی. قبل از این اتفاقات اگر یک روز به مدرسه‌ای می‌رفتید و می‌گفتید:« از فردا می‌توانید در خانه بمانید و با کامپیوتر درس بخوانید، حتی امتحاناتتان را هم به همین صورت بدهید.» مشابه یک شوخی بود، هیچ‌کس باور نمی‌کرد اما در یک روز زمستانی، فهمیدیم که دیگر شباهتی به شوخی ندارد. واقعیست.

رویای کلاس نرفتن!

شاید لطیفه‌های بامزه‌ای در این باره شنیده باشید. مثلا من خودم جایی خواندم که «اگر جای موبایل در مدرسه نیست، جای مدرسه هم در موبایل نیست!» اما خودمانیم، خیلی هم بد نشد که برای مدتی هم که شده، از شر ۶ صبح بیدار شدن و روپوش پوشیدن و چرت زدن سرکلاس خلاص شدید. همیشه رویای چنین کلاسی را داشتید، حالا که دو دستی تقدیمتان کردند، غر می‌زنید! البته قبول داریم این شیوه بخاطر جدید و یکدفعه‌ای بودنش، نتوانست در بهترین حالتش به شما خدمات بدهد اما فکر کنید اگر روزی این قطع و وصلی‌های بی‌موقع اینترنت درست شود، محتوای کلاس‌هایتان طوری شود که مجازی درس دادنش راحت باشد و بتوانید همزمان با درس خواندنتان خیلی واضح و نه قایمکی، نارنگی پوست بکنید، چه چیز جالبی می‌شود. (البته اگر تا آن موقع تکنولوژی به قدری پیشرفت نکند که بوی نارنگی را برای معلمتان بفرستد!)

سنگاپور

در این کشور، از اوایل شیوع جهانی کرونا، مدارس آرام آرام تعطیل شدند. چطور؟ آموزش در ابتدا، درخانه و به‌صورت یک روز در هفته انجام می‌شد. برای دانش‌آموزان ابتدایی چهارشنبه، متوسطه پنجشنبه و دورهٔ تکمیلی روز جمعه برای آموزش غیرحضوری و در خانه، تعیین شد. بقیه روزهای هفته نیز دانش‌آموزان با شلوغی کمتری به مدرسه می‌آمدند؛ مثلا ساعت ورود و خروج خاصی برای هر گروه از دانش‌آموزان درنظر گرفتند و دانش‌آموزان در مقاطع زمانی گوناگونی سرکلاس می‌نشستند.

ژاپن

می‌دانستید در ژاپن، سال تحصیلی تقریبا یکسال طول می‌کشد؟ نظام آموزشی ژاپن طوری است که از اواسط فروردین تا اواخر اسفند، سه‌دوره آموزشی دارند. دانش‌آموزان در طول سال تحصیلی یکبار به تعطیلات بهاری، یکبار تابستانی و بعد هم به تعطیلات زمستانی می‌روند. هرکدام از این‌ها حدود یکماه طول می‌کشد و به عبارتی تعطیلات تابستانی ما را در سه نوبت استفاده می‌کنند. در اواسط اسفند، مدارس ژاپن تعطیل شد و شیوع کرونا با تعطیلات بهاره مصادف شد. در این کشور، مدارس همگی باهم تعطیل شدند و در برخی مناطق کم‌خطر، مدارس را باز کردند. تا خرداد بیشتر مدارس ژاپنی با رعایت نکات بهداشتی باز شد.

آمار دانش‌آموزی کرونا

کرونا و تعطیلی مدارس، مشکلی نبود که فقط کشور ما را درگیر خود کرده باشد. دانش‌آموزان بیشتر نقاط جهان به نوبت وارد این بحران شدند. بعضی کشورها قبل ایران، بعضی همزمان با ما و بعضی هم کمی دیرتر. درهرصورت چیزی که درنهایت به گفتهٔ یونسکو مشخص شد این بود که کرونا مدارس ۹۰ درصد دانش‌آموزان جهان که این درصد تعداد یک و نیم میلیارد دانش‌آموز در ۱۸۸ کشور را شامل می‌شود، تعطیل کرد. ۱۲ میلیون نفر از این یک و نیم میلیارد دانش‌آموز را، دانش‌آموزان ایرانی تشکیل می‌دهند. بیایید با هم به کرونا در مدارس جهان نگاهی بیندازیم.

هند

جالب است بدانید که جمعیت دانش‌آموزان هندی، بیشتر از جمعیت کل ایالات متحدهٔ آمریکاست، یعنی چیزی حدود ۳۳۰ میلیون نفر! حساب کنید با مجموع معلمان و کادر مدرسه، جمعیت چقدر می‌شود! وزیر آموزش و پرورش هند در مصاحبه‌ای گفت:« دانش‌آموزان ما سرمایه‌های این کشورند. مهم‌ترین موضوع برای ما حفظ سلامت آنها و معلمانمان است.» و تمام مقاطع تحصیلی را تعطیل کرد. در این بین، دانش‌آموزان با سامانه‌ی SWAYAM درس می‌خواندند که چیزی شبیه شاد خودمان است!

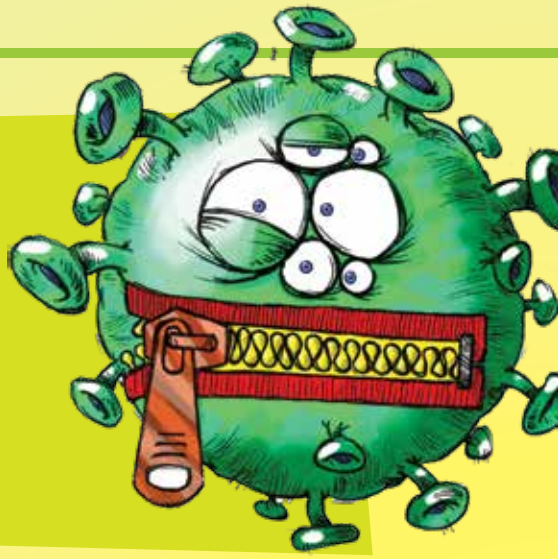

فناوری کرونایی

بهترین اپلیکیشن‌های مرتبط با ویروس کووید-۱۹

مائده گیوه‌چین

با همه‌گیری ویروس کووید-۱۹ در سراسر دنیا، بازار شایعات داغ شد و حتی بسیاری از منابع نیز به دلیل ناشناخته‌بودن این بیماری مجبور شدند حرف‌های قبلی خود را پس بگیرند. این اتفاقات باعث می‌شوند مردم بیشتر سردرگم شوند و اعتماد خود را نیز به راهکارهای پیشنهادی از سوی این منابع از دست بدهند. در چنین شرایطی که یک بیماری عجیب توانسته همه را گیج کند و حتی گاهی به اشتباه بیندازد، بهترین راه اعتماد به منابع موثق است.

همه با هم علیه کرونا

نام اپ: ماسک
سیستم‌عامل: اندروید
حجم: ۲۸ مگابایت
ستاره: ★★★★

اپ «ماسک» توسط تیمی از نخبگان کشور با هدف کمک به شهروندان و کاهش قربانیان ویروس کووید-۱۹ توسعه داده شده است. این اپلیکیشن، نقشهٔ ابتلا به کرونا در کشور، شهر و محل زندگی‌تان را در اختیارتان می‌گذارد تا از منطقه‌های آلوده دوری کنید. سازندگان ماسک با سرویس نقشهٔ «نشان» همکاری کرده‌اند تا کاربران بتوانند موارد ابتلا به کرونا را روی نقشه و به تفکیک شهر و روستا و حتی محله و خیابان ببینند.

در بالاترین قسمت این اپلیکیشن ساده و کاربردی می‌توانید نمودار کرونا را شامل دو بخش آمار روز و آمار کلی در کشور ببینید. این آمارها با رنگ‌بندی مناسب، در یک نگاه موارد مبتلا به کرونا، درمان‌شدگان و فوت‌شده‌ها را به شما اطلاع می‌دهند. اگر نگران وضعیت ابتلای خود و خانواده‌تان هستید، با ثبت‌نام در اپ و پاسخ به تعدادی سؤال پزشکی می‌توانید اطلاعات بیشتری به دست آورید. یکی از هدف‌های سازندگان ماسک، آگاهی‌بخشی به جامعه و مقابله با انتشار اخبار و اطلاعات نادرست بوده است. به همین دلیل بخشی به نام آگاهی‌بخشی در نظر گرفته‌اند که شامل آموزش، اخبار و سؤال‌ها می‌شود. همهٔ مطالب این اپلیکیشن منبع دارند تا خیالتان از صحت اطلاعات راحت باشد.

این اپ برای کاربران اندرویدی عرضه شده و آیفون‌دارها نیز می‌توانند از نسخهٔ تحت وب آن استفاده کنند.

سازمان جهانی بهداشت

نام اپ: OpenWHO: Knowledge for Health Emergencies
سیستم‌عامل: اندروید و آی‌اواس
حجم: ۱۸ مگابایت
ستاره: ★★★★★

این اپ به شش کانال مجهز است که کانال‌های ۵ و ۶ پس از همه‌گیری ویروس کووید-۱۹ ایجاد شدند:

۱. کانال «شیوع بیماری» که به مدیریت بیماری‌های عفونی می‌پردازد و اطلاعات علمی و اقتصادی در اختیار شما قرار می‌دهد.

۲. کانال «پشتیبانی» مخصوص کارکنانی است که به مناطق شیوع بیماری اعزام شده‌اند.

۳. کانال «Get Social» به ارتباط با جوامع آسیب‌دیده کمک می‌کند.

۴. کانال «آماده‌سازی» برای مواقعی است که یک بیماری شیوع پیدا می‌کند.

۵. کانال «کووید-۱۹» که اطلاعاتی دربارهٔ شیوع این بیماری در اختیار متخصصان بهداشت، تصمیم‌گیرندگان و عموم مردم می‌گذارد. این اطلاعات به شش زبان، یعنی عربی، چینی، انگلیسی، فرانسوی، روسی و اسپانیایی منتشر می‌شود.

۶. ششمین کانال با نام «زبان‌های ملی کووید-۱۹» مانند کانال پنجم است، اما در زبان‌هایی مانند اندونزیایی، ژاپنی و پرتغالی فعالیت دارد.

برمدار مغز

نگاهی به کاربردهای هوش مصنوعی

آریا صبوری

امروزه در همه‌جا، از اخبار دنیای فناوری گرفته تا فیلم‌های علمی-تخیلی و حتی هنگام کار با شبکه‌های اجتماعی و ابزارها و وسایل منزل، امکان دارد که عبارت «هوش مصنوعی» را بشنوید یا ببینید. اما پیدا کردن تعریف دقیق برای هوش مصنوعی کمی سخت است. هوش چیست؟ چه موجود یا فردی را هوشمند می‌دانید؟

فهرستی از پاسخ‌های عجیب و متنوع پیش روی ما قرار دارد. شاید براساس تعریف کتاب‌های دانشمندان صاحب‌نام در این رشته بتوان گفت: هوش مصنوعی شاخه‌ای از علوم رایانه‌ای است که سعی بر خودکارسازی رفتار سیستم‌ها دارد؛ به نحوی‌که بتوانند یاد بگیرند، ببینند، بشنوند، تفسیر کنند، و عملی را تا حدی بدون نیاز به انسان انجام دهند. به‌طور خلاصه، هوش مصنوعی مجموعه‌ای از الگوریتم‌ها و برنامه‌های نوشته‌شده برای تقلید و شبیه‌سازی هوش انسانی و رفتارهای مرتبط با آن است.

ابزارها و روش‌های متداول

روش‌های متفاوتی برای کاربردی کردن و استفاده از هوش مصنوعی مطرح هستند. در این روش‌ها با ترکیب الگوریتم‌های برنامه‌نویسی، مجموعه قوانینی خلق می‌شوند که سیستم‌ها با استفاده از این روش‌ها هر روز هوشمندتر از قبل خواهند شد.

یادگیری ماشین Machine Learning

شاخه‌ای از هوش مصنوعی است که به مطالعه و ساخت سیستم‌هایی با قابلیت یادگیری از داده‌ها می‌پردازد. برای مثال، به کمک سیستم یادگیری ماشین می‌توان برای تشخیص و دسته‌بندی اخبار، فهرست کالاها، ایمیل‌های صحیح از هرزنامه‌ها و ... سیستم مدیریت محتوا ساخت. با آموزش موارد صحیح از غلط یا داده‌های مورد نظر از داده‌هایی که برای ما کاربردی ندارند، سیستم یادگیری ماشین می‌تواند در زمان کوتاه‌تری نسبت به انسان، از میان حجم بسیار زیادی از اطلاعات، موارد مورد نظر ما را استخراج کند.

بینایی ماشین Machine Vision

همان قدرت دیدن سیستم است. انواع ربات‌ها، صنایع دسته‌بندی، سیستم‌های بازرسی محصول، سامانه‌های تشخیص چهره، و ... نمونه‌هایی از سیستم بینایی ماشین هستند. این سیستم‌ها امروزه در کنترل و ناوبری ربات‌ها کاربرد بسیار دارند و با دیدن محیط و تشخیص اشیا و موانع، به هدایت صحیح ربات کمک می‌کنند.

پردازش زبان طبیعی Natural Language Processing

یکی از حوزه‌های علوم رایانه، هوش مصنوعی و زبان‌شناسی است که به تعامل رایانه و زبان انسان می‌پردازد. بسیاری از چالش‌های پردازش زبان به درک زبان طبیعی مربوط می‌شوند. پردازش زبان طبیعی به‌طور خلاصه یعنی به رایانه‌ها یاد دهیم که چطور زبان‌های متفاوت انسانی را به‌عنوان ورودی دریافت و با سرعت بالا پردازش و تحلیل کنند. برخی از ماشین‌های صنعتی و ربات‌ها و حتی خودروهای هوشمند در حال مجهز شدن به سیستم‌هایی هستند که کاربر به راحتی با آن‌ها صحبت می‌کند. این ابزارها دستورهای صوتی را با دقت انجام می‌دهند. امروزه دستیاران صوتی بسیار محبوب هستند و از تلفن‌های همراه گرفته تا انواع گجت‌های آنلاین یا غیرآنلاین، از این‌گونه ابزارها استفاده می‌کنند.

یادگیری عمیق Deep Learning

شاخه‌ای از یادگیری ماشین محسوب می‌شود که به سرعت در حال گسترش است. سیستم‌های مبتنی بر یادگیری عمیق، با استفاده از الگوریتم‌هایی مانند شبکه‌های عصبی، قدرت و کیفیت یادگیری سیستم‌ها را افزایش می‌دهند؛ به طوری‌که واسطهای انسانی کمتری برای شناساندن شکل‌ها و الگوها در ابتدای امر یادگیری یک سیستم دخیل خواهند بود.

سیستم‌های خبره

یکی از جالب‌ترین شاخه‌های هوش مصنوعی، سیستم‌های خبره هستند. این سیستم‌ها درواقع برنامه‌هایی رایانه‌ای هستند که نحوهٔ تفکر متخصصی را در یک زمینهٔ خاص شبیه‌سازی می‌کنند. نرم‌افزارهای مزبور الگوهای منطقی‌ای را که متخصص براساس آن‌ها تصمیم می‌گیرد، شناسایی می‌کنند و سپس براساس آن الگوها همانند انسان تصمیم می‌گیرند.

شبکهٔ عصبی Neural Networks

نوع خاصی از مدل یادگیری است که روش کارکرد سیناپس‌ها را در مغز انسان تقلید می‌کند. در روش‌های محاسباتی سنتی، از یک سلسله عبارت‌های منطقی برای اجرای یک عمل استفاده می‌شود. اما در مقابل، شبکه‌های عصبی از مجموعهٔ «نود»ها (به‌عنوان نورون) و «یال»ها (در نقش سیناپس) برای پردازش داده بهره می‌گیرند.

الگوریتم ژنتیک Genetic algorithm

روش یادگیری بر پایهٔ فرگشت بیولوژیک* است. این روش در سال ۱۹۷۰ (۱۳۴۹ ش) به دست جان هالند (John Holland) معرفی شد و الگوریتم‌های تکاملی نیز خوانده می‌شود.

سیستم الگوریتم ژنتیک برای حل مسئله، مجموعهٔ بسیار بزرگی از راه‌حل‌های ممکن را تولید می‌کند. هر یک از این راه‌حل‌ها با استفاده از یک تابع تناسب، ارزیابی می‌شوند. آن‌گاه تعدادی از بهترین راه‌حل‌ها به تولید راه‌حل‌های جدیدی می‌انجامند و این کار باعث تکامل راه‌حل‌ها می‌شود. بدین‌ترتیب فضای جست‌وجو در جهتی تکامل پیدا می‌کند که به راه‌حل مطلوب برسد.

*Biological Evolution

کاربردها

سازوکارهای هوش مصنوعی برای تشخیص، شناسایی و دسته‌بندی اشیا و افراد در تصویرها و فیلم‌های ویدیویی بسیار کارآمدند. برای رسیدن به این هدف، از سازوکار ساده ولی سنگین تشخیص الگو استفاده می‌شود. اگر اطلاعات تصویر رمزگذاری نشده باشد و ماشین بتواند آن‌ها را بخواند، عکس‌ها و فیلم‌های ویدیویی را به‌سادگی می‌توان با این روش در دسته‌های متفاوتی قرار داد که امکان جست‌وجو و یافتن آن‌ها وجود دارد. چنین تشخیص‌هایی را همچنین می‌توان برای اطلاعات صوتی به‌کار برد.

استفاده از سیستم‌های پاسخ‌گویی خودکار برای ارائهٔ خدمات به مشتریان روزبه‌روز بیشتر می‌شود. این دستیارهای مبتنی بر متن، کار خود را با استفاده از تشخیص کلمات کلیدی در خواستهٔ مشتری، و نشان دادن واکنش متناسب با آن، انجام می‌دهند.

از تجزیه و تحلیل نظرات، علاوه بر پیش‌بینی نتایج انتخابات در عالم سیاست، در بازاریابی و بسیاری از حوزه‌های دیگر هم استفاده می‌شود.

پردازش کلمات یا بررسی متن از نظر دستور زبان و اشتباهات املایی، یکی از کاربردهای کلاسیک هوش مصنوعی است. از همین قابلیت‌ها همچنین در تبدیل نوشتار به گفتار در دستیارهای صوتی، مانند «سیری»، «الکسا» و «گوگل» هم استفاده می‌شود.

سپیده‌دم مغناطیسی

زهرا باقری

لطفا بارکد را اسکن کنید! ۱

لطفا بارکد را اسکن کنید! ۲

لطفا بارکد را اسکن کنید! ۳

میدان مغناطیسی زمین

رفتار زمین به‌صورت یك آهن‌ربای بزرگ با یك میدان مغناطیسی، قرن‌هاست که شناخته شده است. برای آشنایی با میدان مغناطیسی زمین فیلم‌های شمارهٔ ۱ و ۲ را ببینید.

هنگامی که پرتوهای کیهانی به زمین نزدیك می‌شوند، مسیرشان تحت تأثیر میدان مغناطیسی زمین قرار می‌گیرد. در واقع میدان مغناطیسی و کرهٔ زمین دو لایهٔ حفاظتی قدرتمند در برابر تابش پرتوهای کیهانی هستند. میدان مغناطیسی مانند پوشش طبیعی عظیمی برای ذرات پرتوهای کیهانی عمل می‌کند. اگر ذرات دارای انرژی باشند، به لایه‌های بالایی جو می‌رسند. اما اگر انرژی ذرات کافی نباشد، آن‌ها در جهت خط‌های نیروی مغناطیسی گرایش پیدا می‌کنند و به علت کمبود انرژی، به آسانی حرکت می‌کنند و به قطب‌ها می‌رسند. به همین دلیل ابتدا مناطقی که در نزدیکی قطب‌ها هستند، تابش دریافت می‌کنند و سپس نواحی نزدیك استوا که به‌وسیلهٔ میدان مغناطیسی زمین بهتر محافظت می‌شوند. برای دریافت بهتر، فیلم شمارهٔ ۳ را ببینید.

اثر میدان مغناطیسی اطراف زمین روی پرتوهای کیهانی

در واقع ذرات پرتوهای کیهانی توسط میدان مغناطیسی زمین منحرف می‌شوند و در جو (اتمسفر) جذب می‌شوند و در بالای جو، چون انرژی کافی را برای تبدیل گازهای مختلف به یون دارند، باعث پیدایش سپیده‌دم زیبایی می‌شوند. در نیم‌کرهٔ شمالی به آن شفق شمالی و در نیم‌کرهٔ جنوبی به آن شفق جنوبی می‌گویند. در فیلم شمارهٔ ۴ می‌توانید نمای زیبایی از شفق قطبی را از دید ساکنان ایستگاه فضایی در خارج از جو ببینید.

لطفا بارکد را اسکن کنید! ۴

پرتوهای کیهانی

بعد از کشف رادیواکتیو، به نظر می‌رسید که تابش‌های موجود در محیط که تقریباً در همه جا حضور دارند، از چشمه‌های شناخته شدهٔ رادیواکتیو تولید می‌شوند. ولی در سال ۱۹۰۱ دو گروه تحقیقاتی در آلمان و انگلستان به این نتیجه رسیدند که این پرتوها از چشمه‌های ناشناخته‌ای به سطح زمین می‌رسند. در سال ۱۹۱۲، ویکتور هس دریافت که برخلاف انتظار، شدت تابش‌ها با افزایش ارتفاع زیادتر می‌شود. هس نتیجه گرفت که تابش‌ها با قدرت نفوذپذیری بسیار زیاد از فضای خارج وارد جو زمین می‌شوند. وی آن‌ها را تابش‌های کیهانی نامید. در سال ۱۹۳۶، هس جایزهٔ نوبل را برای این کشفش دریافت کرد. مطالعات بیشتر نشان دادند که پرتوهای کیهانی شامل همهٔ عناصر بین هیدروژن و آهن می‌شوند.

منابع احتمالی پرتوهای کیهانی

یکی از سؤال‌های اساسی و بنیادی در فیزیک پرتوهای کیهانی این است که: منشأ این ذرات چیست؟ بعضی از این منابع عبارت‌اند از:

۱ بقایای ابر نو اخترها

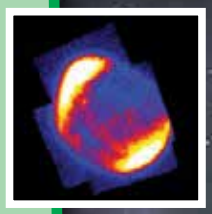

ابر نو اختر انفجار یک ستاره است. در یک لحظه، ستاره‌ای که چندین میلیون برابر جرم خورشید است، منفجر می‌شود و ظرف مدت چند ساعت یا چند روز تاریک و کم‌نور می‌شود.

← ابر نو اختر ۱۰۰۶

سحابی خرچنگ

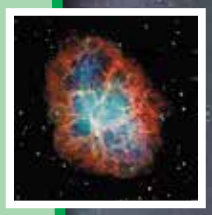

در سال ۱۰۵۴ میلادی، ستاره‌شناسان چینی یک انفجار ابرنواختری را مشاهده کردند که بسیار درخشان و در وسط روز قابل رؤیت بود. این انفجار گاز و گرد و غبار «سحابی خرچنگ» نام گرفته است.

← اسحابی خرچنگ

ابر نو اختر RCW۸۶

ستاره‌شناسان کشف کرده‌اند که باقی‌ماندهٔ ابرنواختر RCW۸۶ که در فاصلهٔ ۸۲۰۰ سال نوری از ما قرار داشته و در سال ۱۸۵ پس از میلاد مسیح توسط منجمان چینی ثبت شده است، یکی از منابع پرتوهای کیهانی محسوب می‌شود. این قدیمی‌ترین ثبت ابرنواختر در تاریخ نجوم است.

← ابر نو اختر RCW۸۶

در فیلم شمارهٔ ۵ شما می‌توانید ثبت انفجار یك ابرنواختر را که ۸۰ میلیون سال نوری از ما فاصله دارد، ببینید.

۲ هسته‌های کهکشانی فعال

از دیگر منابع پرتوهای کیهانی هسته‌های کهکشانی فعال هستند. در مرکز کهکشان‌های فعال سیاه‌چالهٔ پرجرمی وجود دارد.

← جت ذرات خارج شده از داخل هستهٔ فعال کهکشانی

۳ بادهای خورشیدی

بادهای خورشیدی یعنی ذراتی که از خورشید جدا می‌شوند و به‌صورت باد یا جریانی از ذرات به فضای بین ستاره‌ای می‌گریزند. سرعت این باد بین ۲۰۰ تا ۹۰۰ کیلومتر بر ثانیه است و ذراتی که توسط آن حمل می‌شوند، بعد از ۴ تا ۵ روز به زمین می‌رسند. زمانی که فعالیت خورشیدی بیشتر باشد، تعداد و انرژی این ذرات هم بیشتر می‌شود. در فیلم شمارهٔ ۶ ثبت یك شرارهٔ خورشیدی توسط «ناسا» نشان داده شده است که ذرات آن به‌صورت باد خورشیدی به زمین می‌رسند.

لطفا بارکد را اسکن کنید!

۵

لطفا بارکد را اسکن کنید!

۶

پرتوهای کیهانی و سلامتی

پرتوهای کیهانی منشأ خورشیدی یا کهکشانی دارند و میزان جذب ناشی از آن‌ها در هوا، به ازای اضافه‌شدن هر ۱۵۰۰ متر ارتفاع، دو برابر می‌شود. همچنین میزان تابش پرتوهای کیهانی به بدن انسان، به فصل و موقعیت روز بستگی دارد و مقدار آنها در داخل ساختمان کمتر از هوای آزاد است. میزان جذب پرتوهای کیهانی در داخل خانه‌ها بسته به نوع ساختمان و مصالح به کار برده شده، متفاوت است. پرتوها می‌توانند تأثیرات متعددی روی سلول‌ها بگذارند.

اثرات بیولوژیکی پرتوها روی یك موجود زندهٔ پرسلولی در اثر ایجاد تغییر در اجزای آن، یعنی سلول‌ها، به وجود می‌آید. این اثرات شامل کاهش نامحسوس طول عمر، ظهور اثرات ژنتیکی در نسل‌های بعدی، و ابتلا به انواع سرطان‌هاست. از آنجا که پرتوهای کیهانی با افزایش ارتفاع زیاد می‌شوند، انتظار داریم، مردمی که در ارتفاعات بالاتر از سطح دریا زندگی می‌کنند، نسبت به بقیه بیشتر صدمه ببینند. برای مثال، در «کلرادو» که در ارتفاع ۱۶۰۰ متری قرار گرفته، میزان تابش پرتوهای کیهانی دو برابر نسبت به سطح دریاست. به همین دلیل خدمهٔ پروازی، یعنی مهمان‌داران و خلبانان، در برگهٔ حقوقی خود مبلغی اضافی با عنوان «حق اشعه» به دلیل بودن در ارتفاع دریافت می‌کنند.

تفریحی

پریسا پرمور

کیمیا هاشمی

پازل GRAND TOUR

پازل Grand Tour یک پازل منطقی ژاپنی است. سعی کنید قبل از خواندن قوانین پازل، با نگاه کردن به پازل نمونه و حل آن، این قوانین را حدس بزنید.

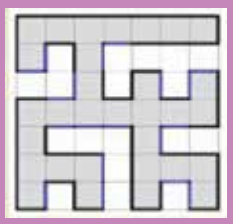

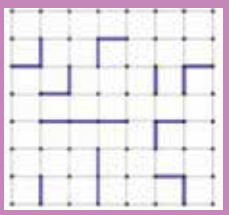

قوانین پازل:

- در این پازل باید به کمک وصل کردن نقاط صفحه، یک حلقهٔ بسته بسازید.
- نقاط را فقط به‌صورت افقی یا عمودی می‌توانید به هم وصل کنید.
- از هر نقطه باید دقیقاً یک بار استفاده کنید.
- خطوط آبی که در شکل رسم شده است حتماً باید بخشی از مسیر شما باشند.

حالا چند نمونه از این پازل را حل کنید.

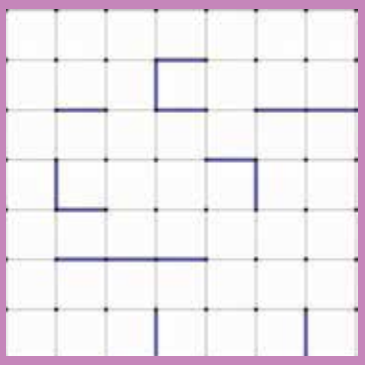

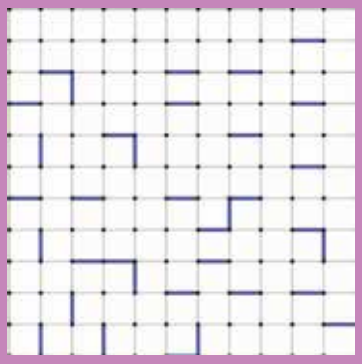

معما ۱: فرماندهی سربازها

ستوان قصد داشت سربازهای تحت فرماندهی خود را در حیاط مربع شکل انبار مهمات به نگهبانی بگمارد. او در کنار هر دیوار، ۴ سرباز به نگهبانی گذاشت و رفت. بعد از مدتی سروان بر کار این سربازها نظارت کرد و گفت پست‌های نگهبانی کافی نیست و در طول هر دیوار ۵ سرباز گذاشت. در نهایت هم سرهنگ به انبار مهمات سر زد و در طول هر دیوار ۶ سرباز به نگهبانی گذاشت.
اگر در هر سه مورد تعداد سربازها یکی باشد، وضع استقرار نگهبان‌ها در هر بار چگونه بوده است؟

معما ۲: سطل‌های شیرفروش

شیرفروشی دو سطل ۱۰ لیتری شیر دارد و دو مشتری مغازه‌اش هرکدام دو لیتر شیر می‌خواهند. یکی از آن‌ها ظرفی ۵ لیتری و دیگری ظرفی ۴ لیتری همراه خود آورده است. شیرفروش چگونه می‌تواند به کمک این سه ظرف مقدار موردنیاز هرکدام از مشتریان را به آن‌ها بدهد؟

معما ۳: معادله چوب کبریتی

در شکل زیر چگونه می‌توان تنها با جابه‌جا کردن یک چوب کبریت، معادله را تصحیح کرد؟

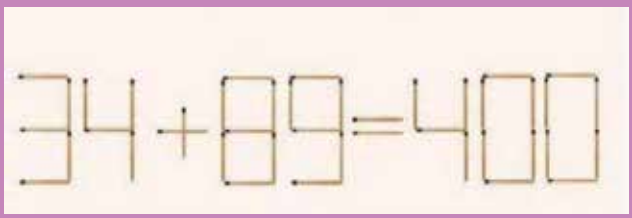

لبخند جوان

زیر نظر: روح‌الله احمدی

نفر اول کنکور ریاضی: دانش‌آموزان کنکور را خیلی سخت نگیرند، اما در سال آخر از حاشیه‌هایی مثل فیلم، بازی و فعالیت‌های اجتماعی دوری کنند.

تصویرسازی لبخند جوان: طاهر شعبانی

زنده‌یاد

زنده‌یاد منوچهر احترامی همه‌فن‌حریف بود؛ هم برای کودکان می‌نوشت، هم برای بزرگ‌سالان. هم شعر می‌نوشت، هم نثر و داستان و فیلم‌نامه. هم در مطبوعات فعالیت می‌کرد، هم در رادیو و تلویزیون. طنزهایی که برای کودکان می‌نوشت، آن‌قدر شهرت پیدا کردند که بارها تجدید چاپ شدند و چند میلیون از آن‌ها فروخته شدند؛ منظومه‌هایی مثل «**حسنی نگو یه دسته گل**» و «**حسنی ما یه بره داشت**».

نوستالژی

ای نان و پنیر و هندوانه!
ای طرفه غذای جاودانه!
ای بوی خوش تو در مشامم!
ای قاتق صبح و عصر و شامم!
تو قاتق روزمرّه بودی
بهتر ز کباب برّه بودی
چون صبح ز خواب می‌پریدم
یک قاچ بزرگ می‌بریدم
یک تکه پنیر و یک عدد نان
کنجی بنشین و هی بلمبان
چون ظهر می‌آمدم به خانه
نان بود و پنیر و هندوانه
شب نیز همین بساط برپا
گه بر سر سفره، گه سر پا
(هر شب که هوا کمی خنک بود
تفصیل بساط کمترک بود)
بس روز گذشت و روزگاران
بس عید بیامد و بهاران
هی‌هی، که تو هی بدون علت
هر سال گران شدی به شدت
آن تازه‌پنیر قالبی رفت
آن لایق نان و طالبی رفت
وان تازه‌گل انار ساوه
آن صدرنشین صد کجاوه
آن میوهٔ تحفهٔ بهشتی
یکباره نشست توی کشتی
کو چاره جز اینکه نرم‌نرمک
خود را بزنم به نان و گرمک
وانگاه به گوشه‌ای نشینم
...
[ادامهٔ شعر به‌علت شدت تأثر ممکن نشد!]

معرفی کارتونیست

کریستوف نیومن نویسنده و انیماتوری است که کارهایش مرتب روی جلد مجله‌های معتبری چون «نشنال جئوگرافیک» (National Geographic) منتشر می‌شود. او اولین جلد واقعیت افزودهٔ مجلهٔ «نیویورکر» را تهیه کرد. کتاب‌های زیادی نوشته است و هنوز هم می‌نویسد. مجموعهٔ تک‌نگاری‌های «یکشنبهٔ طراحی» او در فضای مجازی با استقبال بسیار خوبی مواجه شده است.

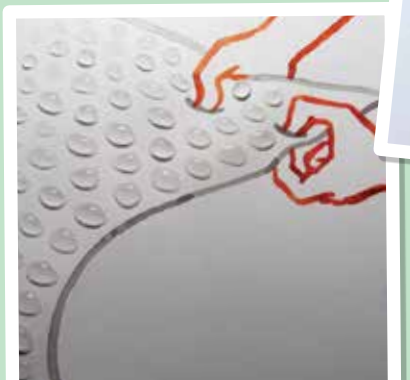

لبخند فیزیکی

لاغری در سه‌سوت

مهدی فرج‌اللهی

در سه‌سوت خودتان و جد و آبائتان را نصف کنید. بدون جراحی، درد و خون‌ریزی، دارو، و عوارض ظاهری و باطنی لاغر شوید.

دیگر نیازی به ورزش‌های سخت و طاقت‌فرسا نیست. بدون نیاز به ورزش و تحرک؛ حتی یک قدم. بدون نیاز به کبد و قلب سالم؛ حتی با قلب و ریه و کلیه و کبد و لانگرهانس و همهٔ امعا و احشای از کار افتاده.

تنها و تنها با یک آینهٔ قدی استوانه‌ای محدب.

با توجه به اینکه:

$$\frac{1}{p} + \frac{1}{q} = \frac{1}{f}$$

$$\frac{q}{p} = \text{بزرگنمایی}$$

بفرمایید:

۱. برای اینکه از عرض نصف شویم، در چه فاصله‌ای از آینه باید بایستیم؟

۲. اگر بخواهیم ۲۰ درصد به قدمان اضافه کنیم، از چه آینه‌ای استفاده کنیم و در چه فاصله‌ای از آن بایستیم؟

۳. اگر بخواهیم همین قدر تپل شویم، چطور؟

توییت

مهرداد حسین‌زاده

- من اگه آقازاده می‌شدم، حسین‌زاده‌ها الان صاحبان پول و قدرت بودند.
- ای کاش یکی به فروشندهٔ بوفهٔ مدرسه بگه: «ما خیلی سخت‌گیر نیستیم، فقط خداییش دیگه کاهو با فوت‌کردن تمیز نمی‌شه، یه کمم آب می‌خواد.»
- پذیرفتن انتقاد خیلی کار سختیه؛ مخصوصاً از طرف خانواده و فامیل و دوست و آشنا و غریبه.
- رفتم یه مدرسه ثبت‌نام کنم، سریع قبولم کردن. از اونجا زدم بیرون. چون مدرسه‌ای که خیلی راحت من رو قبول کنه، واقعاً به درد نمی‌خوره.
- دانش‌آموز: آقا اجازه این به من حرف زشت می‌زنه.
ناظم: مگه چی می‌گه؟
دانش‌آموز: می‌گه خودتی!
- من وقتی تو یه امتحان بیست می‌گیرم، تا اوج آسمون بالا می‌رم. وقتی هم تک می‌شم، به‌اندازهٔ موکت کف اتاق اعتمادبه‌نفس پیدا می‌کنم. الان سال‌هاست که اعتمادبه‌نفسم موکتیه.
- بعضی وقتا سر کلاس چنان ازخودبی‌خود می‌شم که جو می‌گیره و می‌خوام یه چیزی هم یاد بگیرم.

روزنامه

آژانس خبری مدرسه

عبدالله مقدمی

خبر فوری: «نیمکت‌های جدید مدرسه از فولاد مقاوم ساخته می‌شوند.»

پیام بین دانش‌آموزی: «این‌طوری نمی‌شکنند. باید نقشهٔ حمله را عوض کنیم.»
درخواست دانش‌آموزی: لطفاً قلم فولادی و چکش هم کنار نیمکت‌ها بگذارید. برای یادگاری نوشتن لازم داریم.
نیمکت چوبی: این‌قدری که مرا کنده‌اند، چاه‌های نفت را نکنده‌اند.
پیشنهاد معلم: حالا که این‌قدر به کنده‌کاری علاقه‌مندید، به جای دفتر مشق، یک مترمربع چوب با خودتان بیاورید.
سؤال: آیا نیمکت‌های فولادی جدید می‌توانند در برابر کنده‌کارها دوام بیاورند؟
الف) بله؛ البته اگر دست و پای کنده‌کارها را ببندید.
ب) بله؛ البته اگر کاری کنید که دندانشان به نیمکت نرسد.
ج) خیر؛ چون اتفاقاً نیمکت فولادی برای ماندگار شدن اسممان در صفحهٔ تاریخ مدرسه مناسب‌تر است.
د) خیر؛ برای اینه همهٔ نیمکت‌ها اولش فکر می‌کردند خیلی مقاوم‌اند. حالا باید ببینیدشان!

خدایی‌نامه

مهرداد حسین‌زاده

خدا اجازه، سلام!
خودت می‌دانی من اهل تعارف نیستم، پس بگذار خیلی خودمانی حرف بزنم.
خدایا، تو خودت عالم بر همهٔ امور هستی، اما به نظر من، اگر جسارت نباشد و آن را دخالت حساب نکنی، کاش توی نظام خلقت، بحث مدرسه و درس را از ذهن بشر خارج می‌کردی! حالا گیریم مدرسه واجب و مورد نیاز بود، ولی حداقل بهتر این بود توی ذهن بندگانت می‌کاشتی که زمان شروع مدرسه از ۱۰ صبح باشد. خدایی‌اش خیلی سخت است که صبح زود بیدار شوی و صبحانه خورده و نخورده بروی مدرسه؛ مخصوصاً صبح‌هایی که شب قبلش پخش فوتبال داشته‌ایم.
خدایا، این چیزی که گفتم بین خودمان باشد. البته، عربی‌ام خوب نیست و خودت آن لقبت را که به معنی پوشانندهٔ رازهاست، شامل حال من بگردان.
خدای عزیز! پدرم دیروز می‌گفت از من انتظار شاگرد اول شدن دارد. خودت کاری کن که پدرم در سطح توقعاتش تجدیدنظر کند، واقع‌گرا باشد و اندکی رحمانیت از خودت یاد بگیرد! خدای زیبایم، اجازه بده همین‌جا پرانتزی باز کنم و دعا کنم در صورت صلاح‌دید، اگر می‌شود نمرات پسرعموی خرخوانم نرمال‌تر شوند تا مثل چماق توی سر من فرود نیایند؛ یا حداقل عمو و زن‌عمویم با پدر و مادرم قهر کنند که آن‌قدر پز بچه‌شان را پیش ما ندهند و فخر نفروشند.
خدایا تا از مبحث دور نشدیم، خواهش می‌کنم تمام موارد گفته‌شده در مورد پدر را برای مادرم هم لحاظ کن که دیگر توقع نداشته باشد من علاوه بر شاگرد اول بودن، رتبهٔ یک کنکور هم بشوم. آدم باید با خودش رو راست باشد! حتی اگر تمام داوطلبان کنکور صبح روز امتحان دل‌پیچه بگیرند و سر جلسه نیایند، شانس قبولی صندلی خالی آن‌ها از من بیشتر است، چه برسد به اینکه بخواهم رتبهٔ یک بشوم!
خدای خوب و مهربان من، امیدوارم حرف‌هایی را که زدم حمل بر شکایت نکنی. این حرف‌ها را فقط پیش خودت می‌توانستم بزنم، چون تو مرا قضاوت نمی‌کنی. خدایا ممنونم که به حرف من گوش دادی.

دیداری

منظومهٔ دهه‌هشتادی‌ها

اثر طبع عباس احمدی دهه‌شصتی

قسمت اول

پاساژ ماساژ

یارب همه از تو هست هستم
افتادم اگر بگیر دستم
...
ای میوهٔ عمر و هم جوانیم
اینک که شدیم جمله تحریم
تکلیف، صلاح و صرفه‌جویی‌ست
اسراف خودش بی‌آبرویی‌ست
دنباله‌روی ز ملرک و مد چیست؟
پس این‌همه رخت در کمد چیست؟
ای بچهٔ پرتلاش و ساعی
هیهات ز غیرانتفاعی!
زیرا تو نه بچه‌مایه‌داری
نه پارتی و نه پایه داری
گفتیم و نمی‌رود به خرجت
بنگر تو به دخل و خرج و برجت
این‌قدر مرو به سمت پاساژ
این قلب مرا مده تو ماساژ!
گیری ز من اسکنِ اضافه
تا با رفقا روی به کافه؟
بنمای حذر ز مرغ و چیکن
یا ناگت و رُست‌بیف و بیکن
این‌جور غذا برات زود است
چون قاتل پول، فست‌فود است
پس گاز بزن تو بی‌بهانه
یک دانه فلافلِ دو نانه!
در خانهٔ خود بنوش دمنوش
یک حبّه نباتِ نصفه هم روش!
این جیب که آبرو ندارد
این هم کف دست، مو ندارد
ماییم و دو استکان چایی
«بسم‌الله اگر حریف مایی»

کالباس و میکروسکوپ

مهدی استاداحمد

انسان به وفور اشتها معروفه
از خوردن و آشامیدن مشعوفه
تا اینکه صدای زنگ تفریح آید
خالی بشود کلاس و مملو بوفه

شایان بسی گیر سه‌پیچ است ای دوست
چون تیمِ پس از ایوانکویچ است ای دوست
آن‌قدر ملات توی آن کم دارد
این ساندویچ ساندهیچ است ای دوست

یا حاوی تخم‌مرغ «مِید این چین» است
یا اینکه به‌جاش تخم بلدرچین است
تا تخم درشت‌تر کند بی‌تردید
این مرغ ضعیف لازم‌التمرین است

یک‌ربع به ساندویچ دقت کردیم
تحقیق و پژوهش دوسه ساعت کردیم
بردیم سر کلاس و با میکروسکوپ
یک رشتهٔ کالباس رؤیت کردیم

همبرگر اگر در منوی بوفهٔ ماست
ای دوست در آن در عوض گوشت هواست
شایان توجه بود این مصرع که:
در بوفهٔ ما رونق اگر نیست صفاست

طرح و ایده کمیک استریپ: روح‌الله احمدی

نظراتتان را برای ما بفرستید!

گله‌نامه

زهرا فرنیا

مجله که کلاً به شما تعلق دارد، اما این بخش، دیگر شور به شما تعلق داشتن را درآورده و یک‌باره هرچه را شما برای ما بفرستید، می‌خواند، پاسخ می‌دهد و چاپ می‌کند. شاید برایتان این سؤال پیش بیاید که کجا بفرستید؟ آن‌قدر که راه ارتباطی داریم. این از رایانامه (ایمیلمان): javan@roshdmag.ir ، این هم از سامانه پیامکی‌مان: ۳۰۰۰۸۹۹۵۱۹، در صفحه‌های مجازی هم برایتان کلی مطلب به‌روز و دست اول، نظرسنجی، مسابقه و ... می‌گذاریم. با مطرح کردن پیشنهادها، حرف‌ها و درددل‌هایتان، هم خودتان سبک می‌شوید، هم به ما کمک می‌کنید که بهتر شویم!

سلام. اگه اعصابتون خورده، چرا این بخشو گذاشتین؟ یه‌جوری جواب می‌دین انگار مشکلی با بچه‌ها دارین.

خیلی سعی کردیم متوجه مشکل نویسندهٔ این بخش با بچه‌ها نشوید، اما آخر دستمان رو شد. تازه شما که فقط پاسخ مرا به پیام‌هایتان می‌خوانید، نمی‌دانید که در شکنجه‌گاه‌های مخفیانه، دانش‌آموزان را زندانی می‌کنم و امتحانات یکدفعه‌ای و بدون اعلام قبلی ازشان می‌گیرم، نمره‌اش را هم در نمرهٔ نهایی‌شان تأثیر می‌دهم.

صد بار پیام دادم چاپ نکردین. انگار رئیس جمهورین افتخار نمی‌دین!

اینجا همه‌چیز به نوبت است. خود رئیس‌جمهور هم پیامک بدهد، معلوم نیست تا پایان دورهٔ ریاست جمهوری‌اش نوبت چاپ پیامکش بشود یا نه! ما اینجا اصلاً اهل پارتی‌بازی و این حرف‌ها نیستیم. (حالا یک سؤال! شما به رئیس‌جمهور پیام دادید و افتخار نداد یا همین جوری تهمت می‌زنید؟ نگو که پیامك عیدش بهت نرسیده!)

دوس ندارم.

حس می‌کنیم این پیام را درحالی فرستاده‌ای که لب پایینی‌ات را روی لب بالایی کشیده‌ای و دست به سینه سر سفره اخم کرده‌ای، و الان است که قاشق غذایی را که مادرت به سمتت آورده، پرت کنی آن طرف. یعنی چی «دوس ندارم»؟ این‌ها همه‌شان مفیدند، خاصیت دارند.

یک سال گذشت، اما پیامم چاپ نشد! من پیر شدم، اما پیامم چاپ نشد! میلیون‌ها پیام دادم، دریغ از یک جواب ... مجلهٔ شمارهٔ سیصد شد، پیامم چاااااپ نشد...!!!

الان یک سال است که داریم فکر می‌کنیم، اگر هر پیامک فارسی حدود ۱۰ تومان باشد و هر بار پیامکت مثل همین یکی، ۳ صفحه باشد، می‌کند به عبارت ۳۰ تومن. ۳۰ تومن ضربدر یک میلیون، می‌شود سی میلیون تومان. این‌قدر برای ما هزینه کرده‌ای؟! راضی به زحمتت نبودیم، آن هم درحالی‌که به هیچکدامشان جواب نداده‌ایم. راستی یک سؤالی! منبع درآمدت پول توجیبی خانواده است یا کار خاصی می‌کنی که یک ساله این همه درآمد دارد؟ می‌شود دست نویسندهٔ این بخش را هم سر کارت بند کنی؟ بعدش می‌شود برادرم را هم استخدام کنی؟

سلام من تا به حال هیچ شماره از مجله‌هاتونو نخوندم.

یعنی حتی این شماره را هم که پیامت چاپ شده است، نمی‌خوانی؟ یعنی الان اینکه نوشته‌ایم نمی‌خوانی‌را هم نمی‌خوانی؟ حالا چطور نمی‌خوانی که شمارهٔ پیامک را داری؟ به یکی پول دادی که مجله را بخواند و شماره پیامک را پیدا کند و برایت بفرستد؟ لطفاً اگر اشتباهی این شماره را خواندی، مجله‌ای را از حیرت بیرون بیاور!

سلام خاله خیلی خسته‌ام.

اینکه بچه‌ها به معلمشان بگویند: «خاله»، تا اواسط پایه اول دبستان قابل چشم‌پوشی است. اما اگر رشد جوان بخوانی و به نویسندهٔ بخش بگویی «خاله»، فقط یک حالت می‌تواند داشته باشد: خواهرزاده‌ام به رشد جوان پیام داده و خواسته است از این راه با خاله‌اش صحبت کند.

به‌به خواهرزادهٔ عزیزم! کجا بودی؟ چقدر زود بزرگ شده‌ای؟ اصلاً کی به دنیا آمدی؟ این‌ها مهم نیست. خوش‌حالم از خواندن پیامت، چون فکر می‌کردم خواهر نداشتن مانع خاله شدنم می‌شود. خدا را شکر که حسرت به دل از دنیا نمی‌روم!

کارتون: محمدرضا ثقفی

فراخوان یازدهمین جشنواره عکس رشد

الف) گروه سنی بزرگ‌سال

۱. فرهنگیان
۲. عکاسان آزاد

موضوع

۱. «مدرسه، خانواده دوم»

› آموزش مجازی (کرونا و آموزش، آموزش در قرنطینه، مشارکت خانواده‌ها و ...)؛
› معلم (تدریس، رفاقت، مشاوره، بازی با دانش آموز و ...)؛
› دانش‌آموز (درس خواندن، مشارکت در فعالیت‌های مدرسه، دوستی، کار گروهی و ...)؛
› فضای مدرسه (کلاس، معماری، کتابخانه، بوفه، نمازخانه، حیاط، آب‌خوری، آزمایشگاه، اتاق بهداشت، گرافیک محیطی، دفتر معلمان و ...)؛
› هنرستان (کارعملی، کارگاه، هنرآموز و هنرجو، اشتغال و ...)؛
› در راه مدرسه (سرویس مدرسه، پیاده به سوی مدرسه، گروه دوستان و ...)؛
› انواع مدرسه (هوشمند، ماندگار، چندپایه، روستایی، عشایری و شهری)؛
› برنامه‌های مدرسه (جشن شکوفه‌ها، روز معلم، صبحگاه، پرچم، کتاب‌خوانی، زنگ تفریح، جشن، مناسبت‌های مذهبی، راهپیمایی، آغاز سال تحصیلی، نمایشگاه‌ها، دوستی‌ها و قهرها، شورای دانش‌آموزی، شورای معلمان، جلسات اولیا و مربیان و ...)؛
› برنامه‌های جنبی (انجام تکلیف، والدین و مدرسه، گردش علمی، اردو، نماز و ...)؛

۲. ایران، سرزمین پرگهر

› حجاب و عفاف › اعیاد مذهبی و ملی › سبک زندگی ایرانی، اسلامی › آیین‌های قومی و منطقه‌ای › محیط زیست؛ › شرایط ویژه کرونا (شامل: بهداشت، درمان، ایثار و فداکاری، کادر درمان و
› گردشگری (اماکن گردشگری به ویژه در شرایط بیماری کرونا) › طبیعت (جنگل‌ها، پارک‌ها، رودخانه‌ها، دریاچه‌ها و ...)
› اجتماعی: تعاملات مردم با هم ، حاشیه‌نشینی، اعتیاد، کودکان کار و ...؛
› فرهنگی: اماکن فرهنگی، فعالیت‌های فرهنگی و ... › خانواده: فرزندان، در پارک، در منزل و ... › پوشش‌ها و بازی‌های محلی (به ویژه استان‌های مرزی)
بناهای ملی و مذهبی (مسجد، آرامگاه، قلعه، موزه و...)

۳. بخش جنبی (گام دوم انقلاب)

› دستاوردها › معنویت › الگوها › محرومیت زدایی › نیایش › کارآفرینی › خدمات اجتماعی › پژوهش › ایثار و عدالت › کار جهادی › کمک های مؤمنانه

ب) گروه سنی دانش‌آموزی

«موضوع آزاد»؛ این بخش به دانش‌آموزان دوره متوسطه اول و دوم تعلق دارد.

گاه‌شمار: › **آخرین مهلت ارسال آثار: ۳۰ آذر ماه ۱۳۹۹**
› **انتخاب و داوری آثار: دی ماه ۱۳۹۹**
› **افتتاح نمایشگاه: بهمن ماه ۱۳۹۹**
› **اهدای جوایز و برگزاری مراسم اختتامیه:**
› **بهمن ماه ۱۳۹۹**

برای مقررات، جوایز و امتیازات به وب سایت جشنواره مراجعه نمایید.

› **نشانی دبیرخانهٔ جشنواره:**
› تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۷۰، دفتر انتشارات و فناوری آموزشی، طبقهٔ دوم، دبیرخانهٔ جشنوارهٔ عکس رشد.
صندوق پستی ۳۳۳۱-۱۵۸۷۵
برای کسب اطلاعات بیشتر به وبگاه جشنواره، به نشانی http://ax11.roshd.ir مراجعه کنید یا با شماره تلفن‌های ۸۸۸۳۹۲۳۲ و ۸۸۴۹۰۴۱۴ تماس بگیرید.